

بسم الله الرحمن الرحیم

منت خدایرا عز وجل که دعای بندگان میشنود وندای ایشانرا
بعز اجابت میرساند وطاعات را موجب تضاعف حسنات
ومحو سیئات ورفع درجات میگرداند ودرود نامحدود بسید
وسرور ما که دوستی ایشان بی‌ریب ودر محبت خدا عز وجل
می‌افزاید واهل بیت او را که دوستی ایشان زنگ گناه را از دل
می‌زداید چون فرمان واجب الاذعان نواب اشرف
اقدس اعلی ملاذ خواقین نامدار وملجأ سلاطین ذوی الاقتدار
نور حدیقه بوستان مصطفوی وسلاله دودمان مرتضوی
زینت مسند صاحبقرانی مؤید بتاییدات ربانی شاه
ثانی دام الله تاییده وابد تشییده متوجه احقر فقرای
محسن بن مرتضی ایده الله شد بنوشتن ادعیه اسابیع
کیفیت خاصه اعمال حسنه سنه از اوراد متکرره ایام ولیالی
وادعیه اسابیع وشهور هلالی بطوری که بصحت پیوسته
از اصحاب عصمت وطهارت علیهم السلم بقدر اخبار ذات با

برکات

برکات ایشان از عهدهٔ قیام آن بیرون تواند آمد بر سبیل مواظبت
دوام باذکر ثواب حسنات و ترجمهٔ اذکار و دعوات امثال نموده
است اند در این رساله ترتیب دادم و بلب الحسنات چنانکه بر زبان
قلم مشکین رقم ایشان جاری شده بود نام نهادم و مرتب کرده ایدم
بر سه باب امید که مطابق آمده بحسن قبول تلقی فرمایند و بقیام
نمودن بآن توفیق یابند و الله المستعان در اوراد متکرره
ایام و لیالی از جملهٔ اوراد متکررهٔ ایام و لیالی نمازهای فریضه و
نافله است و تعقیبات آن و چون کیفیت افعال و اذکار نماز
و مقدمات و شرایط آنرا در رسایل ترجمة الصلوة و ترجمة الطهارة
و مفتاح الخیر با ترجمهٔ اذکار بر سبیل اختصار چنانکه مقصود
از این رساله است بیان کرده ایم در این رساله طی آن نموده بر
ذکر تعقیب و سایر اوراد اقتصار مینمائیم و آنرا در سه فصل بیان
میکنیم فصل اول در اورادی که از خواب بیدار شدن تا فارغ
شدن از تعقیب فریضه صبح بجای باید آورد در اخبار اهل
البیت ع ترغیب بسیار و ثواب بیشمار وارد شده در بیدار
شدن پیش از طلوع صبح و نماز شب گزاردن پس چون بندهٔ مخلص

بیدار شد باید که اول چیزی که بر دل و زبان او جاری شود ذکر خدا باشد

عز شانه بر یاد خوشتر خسبم در خواب خوشتر بینم از خواب

چو برخیزم اول بیاد آن پس بگوید الحمد لله الذی احیانی

بعد ما اماتنی والیه البعث والنشور

چون بنشیند بگوید حسبی

الرب من العباد حسبی الذی هو حسبی منذ کنت حسبی

حسبی الله و نعم الوکیل و چون از جایگاه برخیزد بگوید

اللهم اعنی علی هول المطلع و وسع علی المضجع و

ارزقنی خیر ما قبل الموت و ارزقنی خیر ما بعد الموت

و چون رخت بپوشد بگوید الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی

واتجمل به فی الناس و چون کفش بپوشد بگوید بسم الله

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّطِیْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ
وَثَبِّتْهُمَا عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیْهِ الْاَقْدَامُ وچون از صوا[ب]
کردن موآداب

خلوت و وضو یا غسل و ادعیه آن فارغ شود باید که بوی خوش
بکار برد و مشغول نماز شب شود یازده رکعت به نیت نماز شب
بکزارد هر دو رکعت را به نیتی و سلامی و رکعت آخر را علیحده در رکعت
اول بعد از فاتحه قل هو الله احد بخواند و در رکعت دویم قل یا ایها
الکافرون و در سه رکعت آخر که از وتر میگویند قل هو الله احد
و در باقی رکعتها هر سوره که خواهد بخواند و در قنوت آخر وتر هفتاد
نوبت بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّیْ وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ و چون از نماز
فارغ شود دو رکعت نافله فجر بکزارد در رکعت اول بعد از حمد
قل یا ایها الکافرون و در دویم قل هو الله احد بخواند و بحمد تنها
نیز اقتصار میتوان کرد در همه رکعات و قراءت بلند باید کرد
در همه جا که سنت در همه نمازهای شب آنست که قراءت را بلند
کنند و در نمازهای روز اینکه آهسته بخوانند و اگر وقت تنگ

باشد دو سه رکعت و نیز نافلهٔ فجر اختصار کنند و بعد از نافلهٔ فجر ساعتی
بر پهلوی راست بخوابد اما خواب نکنند و چون صبح درآید و نظر
بمشرق افکند بگوید یا فالِقَهُ مِنْ حَیْثُ لا اَری وَمُخْرِجَهُ
ای شکافندهٔ صبح از جائی که نمی‌بینم و بیرون آورنده
مِنْ حَیْثُ اَری صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ اَوَّلَ یَوْمِنا
از جائی که می‌بینم درود ده بر محمد و آل او و بگردان اول این روز ما را
هٰذا صَلاحًا وَاَوْسَطَهُ فَلاحًا وَآخِرَهُ نَجاحًا پس اذان بجهت
شایستگی و میان این روز را رستگاری و آخر این را کامروائی
نماز صبح بگوید و فاصله کنند میان اذان و اقامت بسجده یا ذکری یا نشستنی
در حدیث آمده که هر که سجود کند میان اذان و اقامت و بگوید در
سجود رَبِّ لَکَ سَجَدْتُ خاضِعًا خاشِعًا ذَلِیلاً حق تعالی
پروردگارا برای تو سجده کردم در حالتی که خضوع و خشوع کننده بودم
گوید
ای ملائکهٔ من بتحقیق که میگردانم محبت او را در دلهای بندگان
مؤمن خود و هیبت او را در دلهای منافقان پس اقامت گفته
مشغول فریضه گردد با خضوع و خشوع و چون فارغ شود
شروع در تعقیب کنند و در حدیث آمده که بعد از فریضه فاضلتر است

از نافله

از نافله و نیز وارد شده هر که نماز فریضه بگذارد و مشغول تعقیب شود
تا وقت نماز دیگر در آید بر او مهمان خدا است عز و جل و حق است
بر خدا که مهمان خود را گرامی دارد و نیز آمده که تعقیب در طلب روزی
بیشتر اثر دارد که مسافرت در بلاد و بهترین تعقیبها تسبیح فاطمه
زهرا است ع که سی و چهار تکبیر است و سی و سه تحمید است و سی و سه
تسبیح از امام جعفر صادق ع روایت کرده اند که تسبیح فاطمه ع در هر روزی
بعد از هر نماز دوستر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز
و نیز نموده هر که تسبیح فاطمه ع بگوید بعد از هر نماز و در آخر وش
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بگوید آمرزیده شود و کیفیت تعقیب نماز فریضه
آنست که اولا دست بردارد و تکبیری بگوید تا سه نوبت پس بگوید
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهاً وَاحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا
نیست معبودی بجز خدای یکتا و ما او را گردن نهادگانیم نیست خدائی
اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِیَّاهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ
جز خدا نمی پرستیم مگر او را در حالتیکه خالص کنندگانیم دین را اگر چه کراهت داشته باشند مشرکان
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ اٰبَائِنَا الْاَوَّلِینَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
نیست معبودی مگر خدا پروردگار ما و پروردگار پدران پیشین ما نیست معبودی جز خدا

تعقیب نماز

وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ

يكانه راست بجا آورد وعده خود را ويارى كرد بنده خود را وغالب كردانيد لشكر

وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

وبشكست لشكرها تنها پس مر اوراست پادشاهى ومر اوراست ستايش

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ

زنده ميكند وميميراند وميميراند وزنده ميكند واو زنده ايست كه نميرد بدست اوست

الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس سه نوبت بكويد اَسْتَغْفِرُ

نيكى واو بر همه چيز توانا است طلب آمرزش ميكنم

اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَ

از خداى كه نيست خداى مكر او زنده پاينده صاحب بزركى و

الْاِكْرَامِ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ پس بكويد اللّٰهُمَّ اهْدِنِي مِنْ

بخشش وباز كشت ميكنم بسوى او خدايا راه نماى مرا از

عِنْدِكَ وَاَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ

جانب خود وريزان بر من از فضل خود وبكشا بر من از

رَحْمَتِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ لَا

رحمت خود وفرو فرست بر من از بركتهاى خود منزهى تو نيست

اله

إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا فَإِنَّهُ لَا

خدايا مگر تو بيامرز از براي من گناهان مرا همه پس بدرستي كه نمي

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا إِلَّا أَنْتَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

آمرزد گناهان را همه كسي ديگر جز تو خداوندا بدرستي كه طلب ميكنم

مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ

از هر نيكي كه فرا گرفته است او را علم تو و پناه ميبرم بتو از هر بدي كه

أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي

فرا گرفته است او را علم تو خدايا بدرستي طلب ميكنم از تو عافيت ترا در كارهاي خود

كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ وَ

همه و پناه ميبرم بتو از رسوائي دنيا و عذاب آخرت و از

أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي

هولهاي روز قيامت و پناه ميبرم بذات تو و بغلبه تو كه

لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا

باو نميرسد و بتوانائي تو كه باز نميايد از آن هيچ چيز از شر دنيا

وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ

و آخرت و از شر دردها همه و از شر هر جانوري

انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم لا حول

ولا قوة الا بالله العلي العظيم توكلت على الحي الذي

لا يموت والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له

شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره

تكبيرا پس تسبيح فاطمه را بگويد پس بگويد لا اله الا الله ان

الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا

صلوا عليه وسلموا تسليما پس صد نوبت بگويد اللهم

صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم پس بگويد سبحان

الله

الله كلما سبح الله شيء وكما يحب الله ان يسبح وكما هو اهله

وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والحمد لله كلما

حمد الله شيء وكما يحب الله ان يحمد وكما هو اهله

وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله ولا اله الا الله

كلما هلل الله شيء وكما يحب الله ان يهلل وكما هو

اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والله

اكبر كلما كبر الله شيء وكما يحب الله ان يكبر

وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ

عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ

مِمَّنْ كَانَ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا أَرْجُو

وَخَيْرَ مَا لَا أَرْجُو وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا أَحْذَرُ

وَمَا لَا أَحْذَرُ صاحب کتاب فتح البلاغه از حضرت

رسول صلعم نقل کرده که آنحضرت فرشته دید

آسمان دیدکه او را هزار هزار سر بود و در هر سری هزار

هزار روی بود و در هر روی هزار هزار دهان بود و در هر دهانی

هزار هزار زبان و تسبیح خدا میگفت هر زبانی هزار هزار

لغت و آن فرشته روی بحضرت عزت سؤال کرد که آیا

میان

میان بندگان تو کسی هست که عبادت او مثل عبادت من باشد
حق تعالی باو وحی فرستاد که مرا در زمین بنده هست که ثواب او
از ثواب تو عظیم تر است و عظیم و تسبیح آن بنده گفتن پس آن فرسته
از حق تعالی رخصت یافته نزد او آمد و سه روز نزد او بود پس نیافت
که بر فرایض چیزی افزاید مگر بعد از هر فریضه گفتن تسبیح مذکور
پس فاتحه الکتاب بخواند و آیة الکرسی و آیه شهد الله و آیة الملک
در حدیث آمده که چون حقتعالی امر فرمود این آیات را مرو بزمین
فرود آیند بعرش متعلق شدند و گفتند ای پروردگار ما را بکجا
میفرستی بنزد خطاکاران و گناه کاران پس حق تعالی وحی کرد
که فرود آئید بعزت و جلال من قسم که تلاوت نکنند شما را کسی
از آل محمد و شیعه ایشان بعد از هر فریضه مگر آنکه نظر میکنم باو
بدیده پنهانی خود در هر روزی هفتاد نظر و قضا میکنم باو
نظری هفتاد حاجت او را قبول میکنم او را با هرچه دور باشد
از گناهان ۞ پنبه ز گوش دور کن بانگ نجات میرسد ۞ آب
سیاه در دم رو که آب حیات میرسد ۞ نوبت عشق مشتری بر سر
چرخ میزند ۞ بهر روان عاشقان صد صلوات میرسد ۞

رحمت اوست کاب بکل طالب دل می شود جذبهٔ اوست کز بشر

صوم و صلوة میرسد در ظلمات ابتلا صبر کن و مکن اباء

کاب حیات خضر را در ظلمات میرسد این آیات را ترجمه کنیم

باز بر سر ذکر تفسیر رویم اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ

لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ

مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ اَیْدِیهِمْ

وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاءَ

وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَلَا یَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا

وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَ

الْمَلٰئِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

العزیز

العزيز الحكيم إن الدين عند الله الاسلام قل اللهم

مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن

تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير إنك

على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في

الليل تخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي

وترزق من تشاء بغير حساب واخبرست امير المؤ

منین ع مرویست

که فرمود هر که دوست دارد که از دنیا بیرون رود و خالص
شده از گناهان همچنانکه خالص میشود طلائی که هیچ کدورت
در وی نباشد و هیچ کس او را مطالبه بمظلمه نکند پس باید بخواند
در هر یاز از نمازهای پنجگانه دوازده نوبت قل هو الله احد

بخواند پس دستها بردارد و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
بِاِسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ الطّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبارَکِ
وَاَسْئَلُکَ بِاِسْمِکَ الْعَظِیمِ وَسُلْطانِکَ الْقَدِیمِ یا واهِبَ
الْعَطایا یا مُطْلِقَ الْاُساری یا فَکّاکَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ
اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتی
مِنَ النّارِ وَتُخْرِجَنی مِنَ الدُّنْیا آمِنًا وَتُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ سالِمًا
وَاَنْ تَجْعَلَ دُعائی اَوَّلَهُ فَلاحًا وَاَوْسَطَهُ نَجاحًا وَ
آخِرَهُ صَلاحًا اِنَّکَ اَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ بعد از آن
فرمودند
که این دعا از پنهانیست که حضرت پیغمبر صلعم تعلیم
کرده اند

کرده اند و مضمون موده اند که تعلیم کنم حسن و حسین ع را و هر که خواهد
که ایمان او پایدار باشد و زایل نشود بعد از هر نماز فریضه بگوید
رَضِیتُ بِاللهِ رَبّاً وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِیّاً وَ بِالاِسْلامِ دِیناً وَ بِالقُرآنِ
کِتاباً وَ بِالکَعبَةِ قِبلَةً وَ بِعَلِیٍّ وَلِیّاً وَ اِماماً وَ بِالحَسَنِ
وَالحُسَینِ وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعفَرٍ وَمُوسیٰ وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ وَ
عَلِیٍّ وَالحَسَنِ وَالقائِمِ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِم اَللّهُمَّ
اِنّی رَضِیتُ بِهِم اَئِمَّةً فَارضَنی لَهُم اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ
قَدِیرٌ اینست خلاصهٔ تعقیبی که بعد از هر نماز فریضه باید
خواند و اگر ملالی رو دهد بعضی از اینها را نیز ترک میتوان
کرد و ایجز را البته مواظبت باید کرد و ترک نکرد تسبیح فاطمه است
لیکن سزاوار انست که هر وردی را که شروع کرد تا یکسال انرا نگذارد
ترک نکند تا اثر آن نماید و در تعقیب هر نمازی بخصوص نیز

اذکار وارد شده و مشترک میان صبح و شام نیز هست از جمله بر
یک ذکر اقتصار میکنیم از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده
اند که فرمود هر که بعد از نماز شام هفت نوبت بگوید بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ دفع
کند حق تعالی از او هفتاد نوع از انواع بلا که سهلترین آن جوره
باشد و خوره و پیسی و اگر شقی باشد امید هست که حق تعالی
او را سعید کرداند بیا بیا بطلب هرچه خواهی از در ما که
هست ابنجا هر مطلبی مهیا ئی ... دیا دکار دیگر
قبل از طلوع صبح آفتاب و قبل از غروب باید کرد و گفت و اذکار
که صبح و شام باید گفت و سایر اورادی که از صبح تا زوال بجا
باید آورد حق تعالی میفرماید و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس
و قبل غروبها یعنی تسبیح بکو با حمد پروردگار خود پیش از طلوع آفتاب
و پیش از غروب آن و از حضرت امام جعفر صادق ع بچند طریق
روایت کرده اند که دعا قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب
سنت موکد است و در بعضی روایات آمده که فریضه است و این
نحو میکوئی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ

وله الحمد يحيى و يميت وهو حى لا يموت بيده الخير

وهو على كل شىء قدير ده نوبت و ميگويى اعوذ بالله السميع

العليم من همزات الشياطين واعوذ بالله ان يحضرون

ان الله هو السميع العليم ده نوبت و اگر فراموش كنى قضا ميكنى

همچنانكه نماز را قضا ميكنى و از حضرت

امام محمد باقر مرويست كه هر بنده ميگويد پيش از طلوع آفتاب

الله اكبر الله اكبر كبيرا و سبحان الله بكرة و اصيلا

والحمد لله رب العالمين كثيرا لا شريك له وصلى الله

على محمد و آله الا آنكه پيش دستى ميكند فرشته و اين كلمات را

در ميان بالهاى خود ميگيرد و ميبرد تا آسمان

نزند يكتن پس ملائكه ميگويند چه با خود دارى ميگويد كلمهٔ چند است

که مؤمنی او را گفته و این کلمات را بر ایشان میخوانند پس ایشان میگویند
رحم کند خدا تعالی گوینده این کلمات را و بیامرزد او را و بعد آسمان
که میگذرد چنین میگویند تا منتهی بحمله عرش میشود پس ایشان
نیز چنین میگویند پس میگویند ببر این کلمات و بحافظان گنجهای
گفتهای مؤمنان بسپارید تا بنویسند او را در دیوان گنجها ای
دل ار محنت و بلا داری بر خدا اعتمادها داری این چنین
حضرتی و تو نومید مکن ای دل اگر خدا داری رحمت
الله بشه میکشی هر جا بنگر الخ چه لو کو ادادی عمر ضایع مکن
که عمر گذشت ذکر وی کن که کیمیا داری و از جمله ادعیه
صبح و شام باید خواند دعای نوح ع است که بجهت شکر نعمتهای
الهی خوانده میشود و آن اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُشْهِدُكَ
اَنَّهُ مَا اَصْبَحَ بِی مِنْ نِعْمَةٍ اَوْ عَافِیَةٍ فِی دِینٍ اَوْ دُنْیَا
فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِیكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ
بِهَا عَلَیَّ حَتّٰی تَرْضٰی وَبَعْدَ الرِّضَا و در شام ما اَمْسٰی بِی

ما اصبح باید گفت و از جملهٔ دعاها که در صبح و شام خوانده میشود
بجهت حفظ از دشمن و سایر آفات دعائیست که حضرت امیر
المؤمنین ع خوانده اند در شبی که در فراش حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
و آنحضرت در غاری پنهان شده بودند از بیم مشرکان که در آن شب
قصد آنحضرت داشتند و بدعای لیلة المبیت معروفست و از
حضرت امام محمد تقی ع منقولست که چون بامداد سه بار بخوانی
و شبانگاه سه بار از هر ترسی در حصن باشی و آن اینست اَصْبَحْتُ
اَللّٰهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِكَ الْمَنيعِ الَّذي لا يُحاوَلُ وَلا
يُطاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غاشِمٍ وَطارِقٍ مِنْ سائِرِ ما خَلَقْتَ
وَمَنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصّامِتِ وَالنّاطِقِ في
جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَةٍ وَلاءِ اَهْلِ بَيْتِ
نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ مُحْتَجِباً مِنْ كُلِّ

فاصلح باذيته بجدار تحصين الاخلاد من نحلة الاعتراف

بحقهم والتمسك بحبلهم موقنا بان الحق لهم ومعهم

وفيهم اوالي من والوا واجانب من جانبوا فصل

على محمد وال محمد واعذني اللهم بهم من شر ما

اتقيه يا عظيم حجزت الاعادي عني ببديع السموات

والارض وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم

سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون ودر شام اينها

اصبحت امسيت

بگويد و اذكار اين دو وقت بسيار است ليكن برانچه مذكور

شد اقتصار ميكنيم و مستحب است كه تا طلوع آفتاب بر مصلي

بنشيند

ببینند تا او را حجابی باشد از آتش دوزخ و چون از اذکار فارغ
شود باید که سجود شکر کند از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست
که سجدهٔ شکر واجبست بر هر مسلمانی تمام میکنی با آن نماز ترا
و خوشنود میکنی با آن پروردگار ترا و بعجب می آوری با آن
ملائکه را از خود و بدرستی که بنده هرگاه نماز کند آید پس سجدهٔ
شکر بجای آورد میکشاید پروردگار حجاب را از میان بنده و ملائکه
و میگوید ای ملائکهٔ من نظر کنید بر بندهٔ من بجای آورد فرض مرا
و تمام کرد عهد مرا پس سجود کرد مرا بجهت شکر بر آنچه انعام کرده ام
بر وی ای ملائکهٔ من چیست از برای او نزد من پس ملائکه گویند ای
پروردگار ما رحمت تو پس گوید دیگر چیست پس ملائکه گویند
ای پروردگار ما رحمت تو پس گوید دیگر چیست پس ملائکه
گویند کفایت مهم او گوید دیگر چیست پس نمی ماند چیزی
از خیر الا آنکه ملائکه میگویند و حق تعالی میگوید دیگر چیست
پس ملائکه میگویند ما را علمی نیست پروردگار گوید شکر میکنم
او را همچنانکه او شکر کرد مرا و رو می آورم بسوی او بفضل خود
و می نمایم باو رحمت خود را ∴ ذره ذره ز تو طاعت اگر نمی بینیم

کوه کوه از تو معاصی بکرم در گذرانم، جرم صد ساله ببخشیم
بیک اقرار زبانت، گر صد ساله بعذری نتوهم درگذرانم
هر عطائی که بتو کرده ام ای بندهٔ مؤمن، خوش نشین بنده که من
دادهٔ خود نستانم، بند مت بر مت زیر لحد باند در انجا،
خوش بخسانم و راحت بروانت برسانم، پس برانگیزمت از
خاک در آن روز قیامت، در جنان با تجمی برده از دست بدرانم
بگذرانم ز صراط و برهانم ز عذابت، به بهشت آرم و بر خوان
کرامت بنشانم، شربت شوق دهم تا تو شوی مست تجلی
پرده بردارم و انکه بجودت جنگر انم، در سجود شکر صد بار
بگوید شُکراً شُکراً و اگر خواهد بگوید عَفواً عَفواً و بهتر آنست
که در سجدهٔ اولی بگوید وَعَظتَنی فَلَم اَتَّعِظ وَزَجَرتَنی فَلَم
فَلَم اَنزَجِر وَغَمَرتَنی
اَیادِیکَ فَما شَکَرتُ عَفوَکَ عَفوَک
یا کَریمُ بر هریک
ازدر روی راست و چپ را بر زمین گذاشته العفو العفو
بگوید انچه میتر شود پس بوسد دیگر پیشانی را بگذارد و صد بار

شکر

شکر شکر بگوید و هر چند در آن تو بکشند ثواب بیشتر است و باید
که تمام دستها و سینه و شکم را نیز بر زمین برساند و مبالغه کند در
تضرع و هر حاجت که خواهد بطلبد نادی بنیا را باید کرد بود نگاه
دوست تا بجوشد بحر غفران و کرم یکبارگی و از جمله اوراد
که در اول روز بجای باید آورد تصدق است بانچه میسر شود اگر چه
کم باشد در حدیث آمده که هر که مسح کند روی خود را بگلاب بدر
از روز سختی و فقر باو نرسد و بعد از فراغ از این اوراد هر کس باید
بشغلی که باو رجوع شده بپردازد اگر از اهل علم است مشغول تعلیم
و تعلم شود و اگر والی است مشغول حاجات رعایا شود و اگر
کاسب است مشغول کسب شود یک چیزی خورد نست و آداب
آن آنست که بداند که آنجا آمده است و راضی شود بانچه باشد و
دست بشوید پیش از طعام و بعد از فراغ بر جانب چپ بنشیند
از روی تواضع و بسم الله بگوید در اول و الحمد لله در آخر و بدست
راست بخورد و با جماعت در یک ظرف بخورد و بسه انگشت
یا بیشتر بخورد و از پیش خود بخورد و لقمه را کوچک گیرد و نیک
بخاید و نظر بروی حاضران نکند و نان را در زیر کاسه نگذارد

وانگشتان را در آخر بلیسید و صاحب طعام پیشتر ابتدا کند بخوردن
و دست شستن پیش و آخر دست بکشد و آخر دست بشوید در
آخر و در حدیث آمده هر که بشوید دست خود را پیش از طعام و بعد
از طعام فراخ گردد روزی او و عافیت یابد بدن او از بلا و عمر
دراز شود و بصرش جلا یابد و باید که بعد از شستن اول دست
را خشک نکند تا برکت یابد از طعام و از حضرت امیر المؤمنین ع
مرویست که هر که اراده طعام خوردن کند پس بگوید در وقتی
که دست دراز کند به طعام بسم الله والحمد لله رب العالمین
امرزیده شود پیش از انکه لقمه بدهان او برسد و اگر فراموش
کند چون بیادش اید بگوید بِسْمِ اللهِ عَلىٰ اَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ و اولی
آنست که بر هر رنگی بسم الله بگوید تا از ان ضرر نبیند و در حدیث
نبوی ص وارد است که ابتدا و ختم طعام بنمک کند حق تعالی دفع
کند از او هفتاد و دو نوع از انواع بلا که از انجمله خوره و دیوانگی
و پیسی باشد و مستحب است که سبزی بر مایده حاضر سازد
و حمد خدا مکرر میگفته باشد در اثنای خوردن و چون فارغ
شود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَطْعَمَنَا فِي جَائِعِينَ وَ سَقَانَا
[illegible]
فی الظاهرین

فی الظمائین وکاسی فی عارین وهدانا فی ضالین وحملنا

[illegible]

فی راجلین واوانا فی ضاحین واخدمنا فی عانین و

[illegible]

فضلنا علی کثیر من العالمین ومستحب است که حاضران

[illegible] هم دستها را در یک طشت

بشویند تا اخلاق ایشان نیکو شود و مکروه هست که چند رنگ
طعام حاضر سازند بلکه باید که بیک یا دو اقتصاد کنند و روایت
که عسل با شیر آمیخته نزد حضرت پیغمبر ص آوردند چون چشید
دور داشت و فرمود دو نان خورش است که بیکی از آن اکتفا
میتوان کرد حرام نمیکنم اما نمیخورم و مکروه هست که در یک
روز دو بار گوشت بخورد یا تا چهل روز نخورند و روایت است که
هر که چهل روز گوشت نخورد بدخو میشود و باید که بقیه از گوشت
بر استخوان بگذارد از برای جن و مبالغه نکنند در تمام کردن آن

آداب اثنای طعام آنست گفتن بسم الله است در اول و به نفس
خوردن و حمد کردن بعد از هر نفسی در حدیث نبوی وارد شده

[illegible]

که هرکه هم چنین آب آشامد حق تعالی واجب کرده اند از برای او
بهشت علو از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که هرکه آب را
بسه نفس بیاشامد هر نوبت در اول بسم الله و در آخر الحمد لله
بگوید تسبیح بکنند آن آب از برای او مادامی که در شکم او باشد تا بیرون
آید و در حدیث دیگر آمده اگر آب دهنده بنده باشد بسه نفس
بیاشامد و اگر آزاد باشد بیک نفس و باید که ظرف طلا یا نقره نباشد
و بنقره نیز نیندوده باشد چون که حضرت پیغمبر ص نهی فرموده اند
از آشامیدن از ظرف طلا و نقره و اجتناب نماید از موضع شکسته
و از جانب دسته که این هر دو نشیمن شیطانست و چون فارغ
شود بگوید الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی سَقَانِی مَاءً عَذْبًا وَلَمْ یَجْعَلْهُ
مِلْحًا اُجَاجًا بِذُنُوبِی و در حدیث آمده هر که آب بیاشامد
[illegible] امام حسین ع را یاد کند و اهل بیتش را لعن
کند قاتل او را نوشته شود برای او صد هزار حسنه و افکنده
شود از او صد هزار سیئه و بلند شود مر او را صد هزار درجه
و همچنان باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد و روز قیامت که
حشر

حشر او کند دل او خنك باشد و از جملهٔ اورادی که در نصف اول
روز بجای آورده میشود خصوصا کسی را که شب بیداری میکشد
از برای عبادت آنست که قیلوله بکند یعنی خواب چاشت تا مددی
باشد او را بر بیداری شب همچنانکه سحور مدد یست بر روزه داشتن
فصل هشتم در اورادی که از وقت زوال آفتاب تا وقت
خوابیدن بجای باید آورد چون زوال مشخص شود باید که اول کلمهٔ
که بر زبان جاری شود این باشد سُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا
اللّٰهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیكٌ
خدا بسا من چندنوا کر نکرفته فرزند نیست وی را شریکی
فِی الْمُلْكِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا در حدیث
نبود با همچنانچه نیست وی را باری کننده از خواری و بزرگ شمار او را بزرگی
آمده
که محافظت کن برین کلمات همچنانکه بر چشمهای خود محافظت
میکنی و نیز در حدیث وارد شده که چون آفتاب زوال کرد
درهای آسمان و درهای بهشت را میکشایند و دعاها مستجاب
میشود پس خوشا حال کسی که عمل صالحی از و بالا برده شود گویند
و نیز آن کوی با دی که فرایدجان میکویند لا باشد ذ معرض بادان

و در حدیث دیگر آمده که آن ساعتیست که جهنم را در آن محاضر
میسازند برای روز قیامت در روز قیامت پس موافق نمی افتد
مؤمنی را در آن وقت که در سجود باشد یا در رکوع یا در قیام الا
آنکه حرام میگرداند حق تعالی بدن او را بر آتش پس سزاوار است
که اول وقت مقرر شده مشغول نماز گردد و نافله زوال هشت
رکعت است مقدم بر فریضه هر دو رکعت به نیتی و قنوتی
و سلامی و در غیر دوم بعد از حمد قل هو الله احد بخواند و در دوم
قل یا ایها الکافرون و بحمد تنها نیز اقتصار میتوان کرد
در همه و بعد از رکعت ششم اذان بگوید برای فریضه پس دو رکعت
دیگر را بگذارد و اقامه گفته مشغول فریضه پیشین شود با خضوع
و خشوع و قرائت در همه رکعات نوافل و فریضه آهسته کند
الا بسم الله که آن را در همه جا بلند باید گفت و همچنین در نماز
پسین و چون فارغ شود تعقیبهای مشترکه هر نماز را که در
فریضه صبح گذشت بخواند یا آنچه تواند از آن پس ابتدا دعا را که
که مختص است بتعقیب پیشین بخواند یا مَنْ اَظْهَرَ
الْجَمیلَ وَسَتَرَ الْقَبیحَ یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْ بِالْجَریرَةِ وَلَمْ یَهْتِكِ

السِّتْرَ

السِّتْرِ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ

يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا مُنْتَهَى

كُلِّ شَكْوَى يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ

قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّنَا وَيَا سَيِّدَنَا وَيَا مَوْلَانَا وَيَا غَايَةَ

رَغْبَتِنَا أَسْأَلُكَ يَا اللّٰهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ

در حدیث آمده که جبرئیل ع باین دعا نازل شد از آسمان

بر پیغمبر ص خندان و شادان پس گفت السّلم علیك یا محمد

آنحضرت فرمود و علیك السّلم یا جبرئیل پس گفت بدرستی که

حق تعالی بتو هدیه فرستاده آنحضرت فرمود که امست آن

هدیه گفت کلمه چند است از گنجهای عرش اکرام کرده است

ترا بآن حق جلّ و عزّ فرمود که امست آن گفت بگو یا من

اظهر الجمیل را خود عالیترین الحضرت فرمود ثواب این کلمات
جبرئیل گفت هیهات هیهات عمل منقطع
شد اگر مجتمع شوند ملئکه هفت آسمان و هفت زمین که
وصف کنند ثواب این دعا را تا روز قیامت وصف نکنند از
هر هزار جزو یکجزو و چون بنده گوید یا من اظهر الجمیل و ستر
القبیح حق تعالی بپوشاند او را برحمت کند برو در دنیا و جمیل
گرداند او را در آخرت و بپوشاند برو هزار پرده در دنیا و آخرت
و چون گوید یا من لم یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر حساب
نکند حق تعالی او را در روز قیامت و نبرد او را در روزی که
پردها دریده شود و چون گوید یا عظیم العفو بیامرزد حق تعالی
گناهان او را اگرچه مثل کف دریاها باشد و چون گوید یا حسن
التجاوز بگذرد حق تعالی از و حتی دزدی و شرب خمر و هولهای
دنیا و غیر آن از کبایر و چون گوید یا واسع المغفرة بکشاید
حقتعالی بجهة او هزار در از رحمت بر او تا بمیرد ودر رحمت
خدای عز و جل تا بیرون رود از دنیا و چون گوید یا باسط الیدین
بالرحمة بکشاید حقتعالی دست خود را برو برحمت و چون گوید
یا صاحب

یا صاحب کل نجوی و منتهی کل شکوی بدهد اورا از اجر ثواب
هر مصیبت زده و هر سالمی و هر مریضی و هر کوری و هر مسکینی و هر
فقیری و هر صاحب مصیبتی تا روز قیامت و چون گوید یا کریم الصفح
اکرام کند او را حق تعالی اکرامی که انبیا را کنند و چون گوید یا عظیم
المن بدهد او را روز قیامت آرزوی او را و آرزوی خلایق و چون
گوید یا مبتدیا بالنعم قبل استحقاقها بدهد او را از اجر بعدد آنچه
آفریده است در بهشت و دوزخ و هفت آسمان و هفت
زمین و آفتاب و ماه و ستارگان و قطرهای باران و انواع خلایق
و کوهها و سنگها و خاک و ریگها و غیر آن و عرش و کرسی و چون گوید
یا مولینا پر کند حق تعالی دل او را از ایمان و چون گوید یا غایة رغبتنا
بدهد او را حق تعالی در روز قیامت آنچه رغبت خلایق باشد
و چون گوید اسئلک یا الله ان لا تشوه خلقی بالنار رجل جلاله
گوید طلب آزادی میکند بنده من از آتش دوزخ گواه باشید ای
ملئکه من بدرستی که من بتحقیق آزاد کردم او را از آتش دوزخ
و پدر و مادر او و برادران و فرزندان او را و همسایگان و شفیع
گردانیدم در هزار مرد از امتهانی که واجب شده باشد ایشان را

انس و رها بدهم او را از انس پس تعلیم کن ای محمد بن زهیر کافران
تعلیم مکن منافقان پس بدرستی که این دعائیست که مستجاب
میشود که بنده آن اگر خدا خواسته باشد و این دعای اهل بیت المعمور
که میخوانند دو وقتی که بگرد آن طواف می آورند ای که هر ادعا
من وی طالبند ما من آخر بین احسان من باشد که با ما
خو کنی من کرده ام که استم آفاق را آراستم و نجوم تو بر خواستم
من از علم زادم ترا بو تخت بنهادم ترا آئینه دادم ترا تخم وفا
کاشتم نقش عجب بنگاشتم پس پرده ها بر داشتم و چون
از تعقیب پیشین فارغ شود باید که سجود شکر کند بهمان طریق
که گذشت و اگر خواهد ذکری دیگر بخواند پس مشغول نافله پسین
شود و آن نیز هشت رکعتست بچهار سلام در هر سوره که
خواهد بعد از حمد بخواند و اگر خواهد بر حمد تنها اقتصار
و اگر خواهد بر چهار رکعت نیز اقتصار میتواند کرد پس اذان
فریضه پیشین را بگوید و میان اذان و اقامت فاصله کند بسجده
یا ذکری یا نشستنی یا تسبیحی یا بدو رکعت آخر نافله همچنانکه در
پیشین گذشت و اقامت بگوید و مشغول فریضه شود و

چون فارغ شود تعقیبهای مشترکه که در تعقیبه صبح گذشت بجای
آورد یا آنچه تواند از آن پس این استغفار را که مختص است بتعقیب
پسین بجو اللهم استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم

طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست ...

الرحمن الرحیم ذو الجلال و الاکرام و اسأله ان یتوب

بخشاینده مهربان صاحب ... و سؤال میکنم از او که قبول کند توبه

علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس مسکین مستجیر

... بنده ... فروتنی کننده ... بیچاره مسکین پناه برنده

لا یملک لنفسه ضرا و لا نفعا و لا موتا و لا حیوة و لا نشورا

که مالک نیست ...

اللهم انی اعوذ بک من نفس لا تقنع و من بطن لا یشبع

خدایا پناه میبرم ...

و من قلب لا یخشع و من علم لا ینفع و من صلوة لا ترفع

... دانشی که سود ندهد ...

و من دعاء لا یسمع اللهم انی اسئلک الیسر بعد العسر

... که شنیده نشود ...

وَالْفَرَجِ بَعْدَ الْكَرْبِ وَالرَّخَاءِ بَعْدَ الشِّدَّةِ اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ
وشادی بعد از اندوه واسایش از سختی بار خدایا آنچه با ماست از
نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوبُ
نعمت پس از تست تنها نیست خدایی مگر تو آمرزش میخواهم از تو و باز گشت
اِلَيْكَ و در حدیث آمده که بعد از نماز پیشین هفتاد نوبت
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ بگوید حق تعالی هفتصد گناه
او را بیامرزد بس سجود شکر کند چنانکه گذشت ورد العصر
وچون آفتاب زرد شود باید که مشغول تسبیح و استغفار شد
از اذکار دیگر پیش از غروب آفتاب باید گفت بگوید چنانکه
گذشت و همین که وقت شام مشخص شود اذان بجهة فریضه
گفته فاصله میان اذان اقامت بنفسی یا تحمیدی یا تسبیحی
بکند و اقامت گفته باعطر متوجه فریضه شام گردد چرا که وقت
فضیلت نماز شام تنگست بعضی از فقها را اعتقاد آنست
که سرخی طرف مغرب که زایل شود قضا میشود و در تعقیب
نماز شام همین که تسبیح فاطمه گفت مشغول نافله شود و چهار رکعت بدو
سلام بگذارد در رکعت اول قل هو الله احد بخواند و در دوم قل

یا ایها الکافرون و در سورهٔ دیگر هر سوره که خواهد و بر حمد تنها و بر
دو رکعت اقتصار میتوان کرد و چون از نافله فارغ شود اگر سرخی
مغرب هنوز باشد تتمهٔ تعقیبات مشترکه را چنانکه گذشت بخواند
والا سجود شکر بجای آورده اذان و اقامت بگوید با فاصلهٔ میان هر
دو بسجده یا جلوسی و دعائی پس مشغول فریضهٔ خفتن شود در
حدیث آمده که ابلیس لشکر شب خود را پراکنده میکند از وقتی که آفتاب
غروب کرد تا وقتی که شفق پنهان شود و لشکر روز خود را از وقتی
که صبح طلوع کرد تا وقتی که آفتاب طلوع کند و پیغمبر صلعم فرمود که
ذکر خدای عز و جل بسیار کنید در این دو ساعت بدرستی که این
دو ساعت غفلت است و چون از فریضهٔ خفتن فارغ شود
تعقیبات مشترکه را چنانکه گذشت بخواند پس از دعاها که مخصوص است
بتعقیب خفتن اللّهمّ بحقّ محمّدٍ و آل محمّدٍ صلّ علی محمّدٍ
بخواند بار خدایا بحق محمد و آل محمد درود فرست بر محمد
وَ آلِ محمّدٍ وَ لا تُؤمِنّا مَکرَکَ لا تُنسِنا ذِکرَکَ وَ لا تَکشِفْ عَنّا
و آل محمد و ما را ایمن مگردان از مکر خود [illegible] و فراموش مگردان از یاد خود و مبردار از ما
سِترَکَ وَ لا تُحرِمْنا فَضلَکَ وَ لا تُحِلَّ عَلَینا غَضَبَکَ
پرده خود را و محروم مگردان ما را از فضل خود و فرود میاور بر ما خشم خود را

وَلَا تُبَاعِدْنَا مِنْ جِوَارِكَ وَلَا تَنْقُصْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَنْزِعْ

و دور مکردان ما را از جوار خود و کم مکن از ما رحمت خود را و وا نگیر

عَنَّا بَرَكَاتِكَ وَلَا تَمْنَعْنَا عَافِيَتَكَ وَاَصْلِحْ لَنَا مَا اَعْطَيْتَنَا

از ما برکتهای خود را و منع مکن از ما عافیت را و اصلاح کن از برای ما آنچه داده

وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْمُبَارَكِ الطَّيِّبِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَلَا

و زیاد کن برای ما از فضل خود ... که مبارک و پاکیزه است و خوب و خوش است ...

تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَلَا تُؤْيِسْنَا مِنْ رَوْحِكَ وَلَا

تغییر مده آنچه را داده از نعمت خود و نا امید مکن ما را از رحمت ...

تُهِنَّا بَعْدَ كَرَامَتِكَ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ

مکن ما را ... بعد از آنکه عزیز ... و گمراه مکن ما را بعد از آنکه راه نمودی

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ بَعْدَ از آن

و ببخش ما را از نزد خود رحمت ... توئی بخشاینده

سجود شکر

بجای آورد چنانکه گذشت پس دو رکعت نشسته نافله

خفتن که وتیره میگویند بگذارد و مهیای خوابیدن شود

تا آخر شب نخوابد و تو بیدار تواند شد و مستحب است که با طهارت

بخوابد اگر وضو میسر نشود تیمم نیز میتوان با وجود آب و نیز

جایز

جانب دست راست و بقبله بخوابد و چون سر بر بالین بگذارد بگوید

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْلَمْتُ نَفْسی اِلَیْکَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهی

خدایا بدرستی که من سپردم نفس خود را بسوی تو و روی دل را بسوی تو

اِلَیْکَ وَ فَوَّضْتُ اَمْری اِلَیْکَ وَ اَلْجَأْتُ ظَهْری

آوردم و کار واگذاشتم کار خود را بسوی تو و واگذاشتم پشت خود را

اِلَیْکَ تَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ رَهْبَةً مِنْکَ وَ رَغْبَةً اِلَیْکَ

بسوی تو توکل کردم بر تو از روی ترس که از تو دارم و رغبت کردم بسوی تو

لا مَنْجا وَ لا مَلْجَأَ مِنْکَ اِلّا اِلَیْکَ آمَنْتُ بِکِتابِکَ الَّذی

نیست پناهی از تو که بسوی تو ایمان آوردم بکتاب تو که

اَنْزَلْتَ وَ بِرَسُولِکَ الَّذی اَرْسَلْتَ پس تسبیح فاطمه بگوید

فرستادی و به پیغمبری که فرستادی او را. و بخواند و سعی کند

که از برای نماز شب بیدار شود حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند

از جد خود پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت نموده که حق تعالی فرشته را میفرستد

بآسمان دنیا در ثلث آخر هر شب و در شب جمعه از اول شب تا صبح

تا ندا کند آیا خواهنده هست که من باو بخشش کنم آیا توبه کننده

هست که من توبه او را بپذیرم آیا استغفار کننده هست که

من او را بیازرم ای طالب خیر روی بمن کن و ای طالب شر
دست از بدی کوتاه دار نیز بهمین طریق ندا میکند تا طلوع صبح
چون صبح شد بجای خود میرود از ملکوت و در روایت دیگر
چیزهای دیگر شمرده شده از خداوند خدا بهر سحر از فراز
عرش می آید ندا هست محتاجی فقیری سایلی یا کنه کار
پشیمان از خطا یا غمینی یا اسیر ظالمی یا مریضی طالب
دار الشفا سوی درگاه من آید هر که هست تا بفضل
من شود حاجت روا مستمندان در من آویزد دست
دردمندان من طبیب و من دوا هر کرا هر چیز باید میدهم
چاره بیچارگان ماییم ما بر در ما کوی زاری کنید سوی ما
دار بلکف را در دعا ما در لطف و کرم بکشاده ایم هر که
محتاجست گو زین در در آ و طلبکار تو هر شب تا بروز
تو بخواب غفلتی ای بیحیا از کرم میخواندت شد دم بدم
تو گریزان از وصالش جابجا گر خدا را بنده گویندگی اینچنین
غافل چرائی از خدا چون شکیبائی از آن بحر کرم صبر چون
داری از آن کان وفا نیست یک مهربان مانند او

از در

از در او میروی لحن کجا بر در او خاک مباش از ادب در حضورش
آب میکو دار حیا باب دوم در اوراد ایام اسابیع
یعنی اورادی که در ایام هفته مکرر میشود و انرا در دو فصل
بیان میکنیم فصل اول در اوراد روز جمعه و فضایل آن روز
جمعه فاضلترین ایام هفته و بهترین عیدهای مومنانست
و در و ساعتیست که هر گاه بندهٔ که دران ساعت دعا کند دعای
او مستجاب است و در حدیث امده که طلوع نکرد آفتاب بر روز
که فاضلتر باشد از روز جمعه و ان روزیست که نصب کرد
پیغمبر صلعم امیر المومنین را بغدیر خم و روزیست که قایم ع قیام
خواهد نمود و روزیست که قیامت دران قایم خواهد شد
جمع خواهد کرد حق تعالی اولین و آخرین را چنانکه فرموده
ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود یعنی که ان
روزیست که مجموع خواهند بود دران مردمان و روزیست
که مشاهده خواهد شد و نیز آمده که بندهٔ مومن حاجتی از
خدای تعالی میطلبد پس حق تعالی را خیر میکند قضای حاجت
او را تا روز جمعه تا انکه او را مخصوص کرداند بفضیلت اینروز

و در حدیث دیگر آمده کسی که خواهد خیری بکند مثل صدقه و روزه
و غیر آن مستحب است که روز جمعه باشد بجهت آنکه ثواب عمل در روز
جمعه مضاعف میشود و حضرت پیغمبر صلعم فرمودند روز جمعه چیزی
تازه از خوردنیها با اهل و عیال خود بدهید تا خوشحال و خرم شوند
بجمعه و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود بدرستی که جمعه را
حقی و حرمتی است پس بپرهیز از اینکه ضایع بکنی از او یا تقصیر
کنی در چیزی از عبادت حق تعالی و تقرب جستن باو و بعمل صالح
و ترک محرمات پس بدرستی که حق تعالی دو چندان میکرداند روز
حسنات را و محو میکند روز سیئات را و بلند میکرداند روز درجات را
پس فرمود که شب جمعه نیز مثل روز جمعه است در فضیلت پس اگر
توانی که او را احیا کنی بنماز و دعا بکن پس بدرستی که حق تعالی مضاعف
میکرداند در او حسنات را و محو میکرداند سیئات را و بدرستی که حق تعالی
واسع و کریم است و اخبار در فضیلت روز جمعه و شب جمعه
بسیار وارد شده بعضی از آن را در کتاب ابواب الجنان ذکر کرده ایم
با احادیثی که در باب نماز جمعه و شرایط و وظایف و آداب آن
و سایر سنن این روز مثل کوفتن شارب و چیدن ناخن و

تراشیدن سر و شستن سر بخطمی و پاکیزه کردن جامه و بدن و غسل
کردن و بوی خوش کردن و غیر آن از آنجا بطلبند و بهترین عبادتی
که در این روز کرده شود بعد از فریضه و نوافل یومیه صلوات بر پیغمبر است
باید که بسیار کرده شود و سنت است که در این روز هزار بار و روزهای
دیگر صد بار صلوة بر آنحضرت بفرستند و اگر زیاده باشد بهتر و
بهترین اوقات نماز جعفر طیار دنیا و اول روز جمعه و آن چهار
رکعت است بدو نیت و دو سلام بعد از حمد و سوره پانزده
نوبت تسبیحات اربع و در هر یک از رکوع و سجود و سر برداشتن
از هر یک ده باید گفت در حدیث آمده هر که این نماز را بگذارد
اگر گناهان او مثل ریگ بیابان باشد که آمرزیده شود و هر سوره
که خواهد میتواند خواند اما بهتر انست که در رکعت اول بعد از حمد
اذا زلزلت بخواند و در دوم اذا جاء و در سیم انا انزلناه و در
چهارم قل هو الله احد و بطریق دیگر نیز روایتی آمده لیکن انچه
گفتیم اصح است و در حدیث آمده که هر که در سجده آخر نماز
شام شب جمعه بگوید اللّهمّ انّی اسئلک بوجهک الکریم و اسئلک

بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَغْفِرَ لِي

ذَنْبِيَ الْعَظِيمَ فارغ شود از نماز و امر نبیده شده باشد و هر که تعداد

نماز عصر روز جمعه بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ

بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ

وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ بنویسد حق تعالی برای و صد هزار

حسنه و محو کند از او صد هزار سیّئه

و قضا کند بجهت او صد هزار حاجت و بلند گرداند از برای او صد

هزار درجه و چون متوجه شود برای نماز جمعه این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّاَ وَ تَعَبَّاَ وَ اَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلَى مَخْلُوقٍ

رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ طَلَبَ نَيْلِهِ وَ جَوَائِزِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ نَوَافِلِهِ

بالید

فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي وِفَادَتِي وَتَهْيِئَتِي وَتَعْبِيَتِي وَإِعْدَادِي

[illegible]

وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ فَلَا

[illegible]

تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا

[illegible]

يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

[illegible]

وَلَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلٰكِنْ أَتَيْتُكَ مُقِرًّا

[illegible]

بِالْجُرْمِ وَالْإِسَاءَةِ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَأَسْئَلُكَ يَا رَبِّ

[illegible]

أَنْ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتُقَلِّبَنِي بِرَغْبَتِي وَلَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا

[illegible]

وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

[illegible]

اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد وارزقني خير هذا اليوم

الّذي شرّفته وعظّمته وتغسلني فيه من جميع ذنوبي

وخطاي وزدني من فضلك انّك انت الوهّاب

وانجمله اوراد مختصه بروز جمعه دعائیست که در ملحقات

صحیفه کامله وارد است در جمله ادعیه ایام هفته وما

ان ادعیه را بمجموع در فصلی علیحده ذکر میکنیم واز اوراد سایر

ایام هفته بهمه ادعیه انتصار میکنیم فصل دویم در ادعیه

ایام هفته که در ملحقات صحیفه وارد است دعای روز یکشنبه

بسم الله الرّحمن الرّحیم الحمد لله الاوّل قبل الانشاء والاحیاء

والآخر بعد فناء الاشیاء العلیم الّذی لا ینسی من

ذکره ولا ینقص من شکره ولا یخیب من دعاه

وَلا يَقْطَعُ رَجاءَ مَنْ رَجاهُ اَللّٰهُمَّ اِنّى اُشْهِدُكَ

و قطع نمی‌شود امید امیدوار [illegible] بدرستیکه گواه میگیرم ترا

وَكَفى بِكَ شَهيداً وَاُشْهِدُ جَميعَ مَلٰئِكَتِكَ وَسُكّانَ

و بس است گواه بودن تو [illegible] همه فرشتگان ترا و ساکنان

سَمٰواتِكَ وَاَرَضيكَ وَمَنْ بَعَثْتَ مِنْ اَنْبِيائِكَ وَ

آسمانهای ترا و زمین ترا و هر کس که فرستاده از پیغمبران خود و

رُسُلِكَ وَاَنْشَاْتَ مِنْ اَصْنافِ خَلْقِكَ اِنّى اَشْهَدُ

پیغامبران خود [illegible] از اصناف خلق خود بدرستیکه من گواهی

اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَريكَ

بانکه توئی [illegible] نیست [illegible] تو [illegible]

لَكَ وَلا عَديلَ وَلا خُلْفَ لِقَوْلِكَ وَلا تَبْديلَ وَاَنَّ

ترا و مانندی نیست و خلافی نیست قول ترا و [illegible]

مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ اَدّى

[illegible] بنده تو [illegible]

ما حَمَّلْتَهُ اِلَى الْعِبادِ وَجاهَدَ فِى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ حَقَّ

[illegible]

الجهاد وانه بشر بما هو حق من الثواب وانذر بما هو

صدق من العقاب اللهم ثبتنى على دينك ما احييتنى

ولا تزغ قلبى بعد اذ هديتنى وهب لى من لدنك رحمة

انك انت الوهاب صل على محمد وال محمد واجعلنى من

اتباعه وشيعته واحشرنى فى زمرته ووفقنى لاداء

فرض الجمعات وما اوجبت على فيها من الطاعات

وقسمت لاهلها من العطاء فى يوم الجزاء انك انت

العزيز الحكيم

دعای روز شنبه

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللهِ كَلِمَةِ الْمُعْتَصِمِيْنَ وَمَقَالَةِ الْمُتَحَرِّزِيْنَ وَاَعُوْذُ بِاللهِ
بنام خدا کلمه ایست که چنگ زنندگانست و گفتگوی کسانیست که پناه کنند و پناه میبرم بخدا
تَعَالٰى مِنْ جَوْرِ الْجَائِرِيْنَ وَكَيْدِ الْحَاسِدِيْنَ وَبَغْيِ الظَّالِمِيْنَ وَ
از ستم ستم کنندگان و مکر حسودان و زیادتی ظالمان و
اَحْمَدُهٗ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِيْنَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْوَاحِدُ بِلَا شَرِيْكٍ
ستایش او میکنم و ستایش بیش از ستایش همه ستایندگان خدایا توئی یکانه بی شریکی
وَالْمَلِكُ بِلَا تَمْلِيْكٍ وَلَا تُضَادُّ فِيْ حُكْمِكَ وَلَا تُنَازَعُ فِيْ
و پادشاهی بی آنکه کسی پادشاه کند ترا و مزاحمت نمیکند کسی در حکم تو و نزاع کرده نمیشود
مُلْكِكَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ
پادشاهی تو سوال میکنم از تو اینکه درود فرستی بر محمد بنده تو و رسول تو
وَاَنْ تُوْزِعَنِيْ مِنْ شُكْرِ نُعْمَاكَ مَا تَبْلُغُ بِهٖ غَايَةَ رِضَاكَ
و انکه الهام نمائی از شکر نعمتهای خود آنقدری که برسانی بان نهایت خوشنودی
وَاَنْ تُعِيْنَنِيْ عَلٰى طَاعَتِكَ وَلُزُوْمِ عِبَادَتِكَ وَاسْتِحْقَاقِ
و انکه اعانت نمائی بر طاعت خود و ملازمت بر عبادت خود و سزاوار شدن
مَثُوْبَتِكَ بِلُطْفِ عِنَايَتِكَ وَتَرْحَمَنِيْ بِصَدِّيْ عَنْ
ثواب تو بلطف عنایت تو و رحم کنی بر من

مَعَاصِيكَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَتُوَفِّقَنِي لِمَا يَنْفَعُنِي مَا أَبْقَيْتَنِي وَ

معصیتهای خود مادام که زنده داری مرا و توفیق دهی مرا [illegible] آنچه سود دهد مرا

أَنْ تَشْرَحَ بِكِتَابِكَ صَدْرِي وَتَحُطَّ بِتِلَاوَتِهِ وِزْرِي

[illegible] بکتاب خود سینه مرا و محو کنی [illegible]

وَتَمْنَحَنِي السَّلَامَةَ فِي دِينِي وَنَفْسِي وَلَا تُوحِشْ بِي أَهْلَ

[illegible] دین [illegible] و نفس [illegible] وحشت [illegible] اهل

أُنْسِي وَتُتِمَّ إِحْسَانَكَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي كَمَا أَحْسَنْتَ

[illegible] و تمام کنی احسان [illegible] باقی [illegible] چنانکه احسان [illegible]

فِيمَا مَضَى مِنْهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دعای روز یکشنبه بِسْمِ اللهِ

در آنچه گذشته از عمر ای ارحم الراحمین

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا أَرْجُو إِلَّا فَضْلَهُ وَلَا أَخْشَى

بنام خدای که امید ندارم جز بفضل او [illegible]

إِلَّا عَدْلَهُ وَلَا أَعْتَمِدُ إِلَّا قَوْلَهُ وَلَا أُمْسِكُ إِلَّا بِحَبْلِهِ

[illegible] مگر بسخن او [illegible] مگر برشته [illegible]

بِكَ أَسْتَجِيرُ يَا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضْوَانِ مِنَ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ

بتو پناه [illegible] ای [illegible] از ستم [illegible]

وَمِنْ غِيَرِ

وَمِنْ غِيَرِ الزَّمَانِ وَتَوَاتُرِ الاَحْزَانِ وَمِنِ انْقِضَاءِ الْمُدَّةِ

و از تغیر [illegible] و از [illegible] اندوه و از گذشتن مدت [illegible]

قَبْلَ التَّأَهُّبِ وَالْعُدَّةِ وَاِيَّاكَ اَسْتَرْشِدُ لِمَا فِيهِ الصَّلَاحُ

پیش از [illegible] و مستعد گردیدن و از تو [illegible]

وَالْاِصْلَاحُ وَبِكَ اَسْتَعِينُ فِيمَا يَقْتَرِنُ بِهِ النَّجَاحُ وَ

[illegible]

الْاِنْجَاحُ وَاِيَّاكَ اَرْغَبُ فِي لِبَاسِ الْعَافِيَةِ وَتَمَامِهَا وَ

[illegible]

شُمُولِ السَّلَامَةِ وَدَوَامِهَا وَاَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ هَمَزَاتِ

[illegible]

الشَّيَاطِينِ وَاَحْتَرِزُ بِسُلْطَانِكَ مِنْ جَوْرِ السَّلَاطِينِ

[illegible]

فَتَقَبَّلْ مَا كَانَ مِنْ صَلَوتِي وَصَوْمِي وَاجْعَلْ غَدِي

[illegible]

وَمَا بَعْدَهُ اَفْضَلَ مِنْ سَاعَتِي وَيَوْمِي وَاَعِزَّنِي فِي

[illegible]

عشيرتي وقومي ولحفظني في يقظتي ونومي فانت الله

میان معاشران من و قوم من و نگاه دار مرا در بیداری و خواب من

خير حافظا وانت ارحم الراحمين اللهم اني ابرأ اليك

بهترین نگاه دارنده و تو ارحم الراحمین بار خدایا بدرستی که من بیزارم

في يومي هذا وما بعده من الاحاد من الشرك والالحاد

در این روز و آنچه بعد از [illegible] از شرک و [illegible]

واخلص لك دعائي تعرضا للاجابة واقيم على طاعتك

و خالص میکنم از برای تو دعای خود را متعرض اجابت شوم و بپا میدارم [illegible]

رجاء للاثابة فصل على محمد خير خلقك الداعي

[illegible] پس درود فرست بر محمد بهترین [illegible]

الى حقك واعزني بعزك الذي لا يضام واحفظني

[illegible] عزت تو که [illegible] نگاه دار مرا

بعينك التي لا تنام واختم بالانقطاع اليك امري

بچشم [illegible] ختم [illegible]

وبالمغفرة عمري انك انت الغفور الرحيم

دعای روز دوشنبه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

الَّذِي لَمْ يُشْهِدْ أَحَداً حِينَ فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ

[illegible] حاضر نکرد [illegible] هیچ کس را [illegible] آسمانها و زمین را [illegible]

وَلَا اتَّخَذَ مُعِيناً حِينَ بَرَأَ النَّسَمَاتِ لَمْ يُشَارَكْ فِي

و نگرفت مددکاری [illegible] آفریدن [illegible] شریک او نیست کسی

الْإِلٰهِيَّةِ وَلَمْ يُظَاهَرْ فِي الْوَحْدَانِيَّةِ كَلَّتِ الْأَلْسُنُ

خدایی [illegible] کرده [illegible] ز شرم است زبانها

عَنْ غَايَةِ صِفَتِهِ وَانْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ

از [illegible] و [illegible] وامانده است عقلها از دریافت کنه شناسایی او

وَتَوَاضَعَتِ الْجَبَابِرَةُ لِهَيْبَتِهِ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ

و افتادگی کرده [illegible] جباران [illegible] و ذلیل شده [illegible]

لِخَشْيَتِهِ وَانْقَادَ كُلُّ عَظِيمٍ لِعَظَمَتِهِ فَلَهُ الْحَمْدُ

[illegible] و گردن نهاد [illegible] پس او را [illegible]

مُتَوَاتِراً مُتَّسِقاً وَمُتَوَاتِراً مُسْتَوْسِقاً وَصَلَوَاتُهُ عَلَى

[illegible] و از پی هم [illegible] و درود [illegible]

رَسُولِهِ أَبَدًا وَسَلَامُهُ دَائِمًا سَرْمَدًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي

[illegible] اول امروز خدایا بگردان [illegible] دایم و پیوسته و سلام او همیشه [illegible]

هٰذَا صَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا وَأَعُوذُ

وپناه میگیرم [illegible] واخر او [illegible] ومیان او [illegible] شایستگی

بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ فَزَعٌ وَأَوْسَطُهُ جَزَعٌ وَآخِرُهُ وَجَعٌ

بتو از روزی که [illegible] ترس باشد [illegible] او [illegible] واخر او درد

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتُهُ وَكُلِّ وَعْدٍ

خدایا [illegible] من [illegible] از تو برای هر [illegible] کرده‌ام [illegible] وعده که

وَعَدْتُهُ وَكُلِّ عَهْدٍ عَاهَدْتُهُ ثُمَّ لَمْ أَفِ لَكَ بِهِ

وعده نموده‌ام وهر [illegible] که با تو بسته‌ام پس وفا نکردم برای تو [illegible]

وَأَسْئَلُكَ فِي مَظَالِمِ عِبَادِكَ عِنْدِي فَأَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ

وسوال میکنم از تو در مظالم [illegible] تو نزد من پس هر [illegible] از

عَبِيدِكَ أَوْ أَمَةٍ مِنْ إِمَائِكَ كَانَتْ لَهُ قِبَلِي

[illegible] از کنیزان تو که بوده باشد نزد من

مَظْلِمَةٌ ظَلَمْتُهَا إِيَّاهُ فِي نَفْسِهِ أَوْ فِي عِرْضِهِ أَوْ فِي

[illegible] کرده باشم او را در نفس او یا در عرض او یا در

مَالِهِ

مَالِهِ أَوْ فِي أَهْلِهِ وَوُلْدِهِ أَوْ غِيبَةٍ اغْتَبْتُهُ بِهَا أَوْ تَحَامُلٍ

مال او یا در اهل او و فرزندان او یا غیبتی که غایبانه کرده باشم یا باری باشد

عَلَيْهِ بِمَيْلٍ أَوْ هَوىً أَوْ أَنَفَةٍ أَوْ حَمِيَّةٍ أَوْ رِيَاءٍ أَوْ

بر وی برگذاشته باشم یا خواهشی باشد یا ننگی یا حمایتی یا ریایی یا

عَصَبِيَّةٍ غَائِباً كَانَ أَوْ شَاهِداً وَحَيّاً كَانَ أَوْ مَيِّتاً

تعصبی غایب بوده باشد یا حاضر زنده بوده باشد یا مرده

فَقَصُرَتْ يَدِي وَضَاقَ وُسْعِي عَنْ رَدِّهَا إِلَيْهِ وَالتَّحَلُّلِ

پس کوتاه شده باشد دست من و تنگ شده باشد توانائی من از برگردانیدن آن بوی و حلالی خواستن

مِنْهُ فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ يَمْلِكُ الْحَاجَاتِ وَهِيَ

از وی پس سؤال میکنم از تو ای آنکسی که مالک است حاجتها را و حاجتها

لِمَشِيَّتِهِ وَمُسْرِعَةٌ إِلَى إِرَادَتِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

خواهش او و شتابنده بسوی ارادت او اینکه درود فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرْضِيَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ وَتَهَبَ لِي

و آل محمد و آنکه راضی کنی او را از من بآنچه خواهی و ببخشی بمن

مِنْ عِنْدِكَ رَحْمَةً إِنَّهُ لَا يَنْقُصُكَ الْمَغْفِرَةُ وَلَا تَضُرُّكَ

از نزد خود رحمتی بدرستی که نقصان نمیکند ترا آمرزش و زیان نمیرساند

الْمَوْهِبَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَوْلِنِي فِي كُلِّ يَوْمِ اثْنَيْنِ

بخشایش ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا برسان مرا در روز دوشنبه

نِعْمَتَيْنِ مِنْكَ ثِنْتَيْنِ سَعَادَةً فِي أَوَّلِهِ بِطَاعَتِكَ وَنِعْمَةً

دو نعمت از جانب خود دو نعمت سعادتی در اول آن روز بسبب طاعت تو و نعمتی در

فِي آخِرِهِ بِمَغْفِرَتِكَ يَا مَنْ هُوَ الْإِلَهُ وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ

آخر آن روز بآمرزش تو ای آنکه او ست معبود بحق و نمی آمرزد گناهان را

سِوَاهُ دعای روز سه شنبه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

بجز او ستایش مر خدای را

وَالْحَمْدُ حَقُّهُ كَمَا يَسْتَحِقُّهُ حَمْدًا كَثِيرًا وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ

و ستایش حق او ست چنانکه مستحق آنست حمد بسیاری و پناه میبرم باو از

شَرِّ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

بدی نفس خود بدرستی که نفس [illegible] مگر [illegible] کرده باشد پروردگار من

وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الَّذِي يَزِيدُنِي ذَنْبًا إِلَى

و پناه میبرم باو از شر شیطان که [illegible] افزاید گناهی را

ذَنْبِي وَأَحْتَرِزُ بِهِ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ فَاجِرٍ وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ

بگناه من و حذر میکنم [illegible] بخدا از هر جبار [illegible]

وعدو

وَعَدُوٍّ قَاهِرٍ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ فَاِنَّ جُنْدَكَ هُمُ

الْغَالِبُونَ وَاجْعَلْنِي مِنْ حِزْبِكَ فَاِنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَاجْعَلْنِي مِنْ اَوْلِيَائِكَ فَاِنَّ اَوْلِيَائِكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِي دِينِي فَاِنَّهُ عِصْمَةُ اَمْرِي

وَاَصْلِحْ لِي آخِرَتِي فَاِنَّهَا دَارُ مَقَرِّي وَاِلَيْهَا مِنْ مُجَاوَرَةِ

اللِّئَامِ مَفَرِّي وَاجْعَلِ الْحَيٰوةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَ

الْوَفَاةَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

النَّبِيِّينَ وَتَمَامِ عِدَّةِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلٰى آلِهِ الطَّيِّبِينَ

الطاهرين واصحابه المنتجبين وهب لي في الثلاثاء

وپاكيزگان و ... ببخش مرا در سه شنبه

ثلاثا لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا غما الا اذهبته و

سه چيز ... مگذار گناهي مگر آنكه بيامرزي و نه غمي مگر آنكه ببري و

لا عدوا الا دفعته بسم الله خير الاسماء بسم الله رب

نه دشمني مگر آنكه دفع كني ... نام خدا ... نام ... پروردگار

الارض والسماء استدفع كل مكروه اوله سخطه و استجلب

زمين و آسمان ... دفع ميكنم هر ناخوشي را كه اول او غضب اوست و ... ميكنم

كل محبوب اوله رضاه فاختم لي منك بالغفران

هر خوشي كه اول او خوشنودي اوست پس ختم كن از براي من بامرزش

يا ولي الاحسان دعاي روز چهارشنبه بسم الله الرحمن الرحيم

اي صاحب نيكوكاري

الحمد لله الذي جعل الليل لباسا والنوم سباتا وجعل

سپاس مر خداي را ... شب را پوشش و خواب را آسايش و گردانيد

النهار نشورا لك الحمد ان بعثتني من مرقدي ولو

[illegible] ... براي تو است ستايش كه برانگيختي مرا از خوابگاه من و اگر

[illegible]

شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَرْمَدًا حَمْدًا دَائِمًا لَا يَنْقَطِعُ اَبَدًا وَلَا يُحْصِي

میکود ... همیشه ستایشی دایم که منقطع نشود هرگز و شماره نتوانند

لَهُ الْخَلَائِقُ عَدَدًا اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ اَنْ خَلَقْتَ فَسَوَّيْتَ

ان خلایق ... خدایا ... حمد که ... راست کردی و تقدیر

وَقَدَّرْتَ وَقَضَيْتَ وَاَمَتَّ وَاَحْيَيْتَ وَاَمْرَضْتَ وَشَفَيْتَ

کردی ... و میرانیدی و زنده کردی و بیمار کردی و شفا دادی

وَعَافَيْتَ وَاَبْلَيْتَ وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ وَعَلَى الْمُلْكِ

و تندرستی دادی و ... و بر عرش مستولی شدی و بر پادشاهی

اِحْتَوَيْتَ اَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ ضَعُفَتْ وَسِيلَتُهُ وَ

... کردی ... کسی که ... و ...

اِنْقَطَعَتْ حِيلَتُهُ وَاقْتَرَبَ اَجَلُهُ وَتَدَانَى فِي الدُّنْيَا

کسسته شد ... و نزدیک شد ... شده ...

اَمَلُهُ وَاشْتَدَّتْ اِلَى رَحْمَتِكَ فَاقَتُهُ وَعَظُمَتْ لِتَفْرِيطِهِ

... و سخت شد بسوی ... احتیاج ... و ...

حَسْرَتُهُ وَكَثُرَتْ زَلَّتُهُ وَعَثْرَتُهُ وَخَلَصَتْ لِوَجْهِكَ

حسرت او و بسیار ... او و ... او و ...

تُوْبَتَهُ نُصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ

[illegible] خَتم پیغمبران وبر [illegible]

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَارْزُقْنِي شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

پاکان پاکیزگان وروزی کن مرا شفاعت محمد درود خدا بر او

وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي صُحْبَتَهُ اِنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

وآل او ومحروم مساز مرا از صحبت او بدرستیکه تو [illegible]

اَللّٰهُمَّ اقْضِ لِي فِي الْاَرْبِعَاءِ اَرْبَعًا اِجْعَلْ قُوَّتِي فِي طَاعَتِكَ

خدایا حکم کن [illegible] در چهارشنبه [illegible] بگردان قوت مرا در بندگی [illegible]

وَنَشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ وَرَغْبَتِي فِي ثَوَابِكَ وَزُهْدِي فِيمَا

[illegible] ورغبت مرا در ثواب تو [illegible]

يُوجِبُ لِي اَلِيمَ عِقَابِكَ اِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ دعاء [illegible]

[illegible] بدرستی که تو لطف کننده [illegible]

بپنجشنبه بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَذْهَبَ

سپاس مر خدای را [illegible] برد

اللَّيْلَ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ

شب [illegible] بقدرت [illegible]

وکسانی

وَكَسَانِي ضِيَاءَهُ وَآتَانِي نِعْمَتَهُ اَللّٰهُمَّ فَكَمَا أَبْقَيْتَنِي لَهُ فَأَبْقِنِي

و پوشانید مرا روشنی او را و داد مرا نعمت او را خدایا پس چنانکه باقی داشتی مرا برای او باقی دار مرا

لِأَمْثَالِهِ وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَفْجَعْنِي فِيهِ وَفِي

از برای امثال او و درود فرست بر محمد و آل او و دردمند مکن مرا در او و در

غَيْرِهِ مِنَ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ بِارْتِكَابِ الْمَحَارِمِ وَاكْتِسَابِ

غیر او از شبها و روزها بارتکاب حرامها و کسب

الْمَآثِمِ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ

گناهان و روزی کن مرا خیر او و خیر آنچه در اوست و خیر آنچه بعد از اوست

وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَشَرَّ مَا فِيهِ وَشَرَّ مَا بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ

و دور گردان از من شر او و شر آنچه در اوست و شر آنچه بعد از اوست خدایا

إِنِّي بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ

بدرستی که من بعهد اسلام توسل میجویم بسوی تو و بحرمت قرآن

أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَبِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صلى الله عليه وآله أَسْتَشْفِعُ لَدَيْكَ فَاعْرِفِ

اعتماد میکنم بر تو و بمحمد مصطفی شفاعت میخواهم نزد تو پس بشناس

اَللّٰهُمَّ ذِمَّتِيَ الَّتِي رَجَوْتُ بِهَا قَضَاءَ حَاجَتِي يَا أَرْحَمَ

خدایا عهد مرا که امید دارم بان برآوردن حاجتم را ای

الرّاحمين اللّهمّ اقض لي في الخميس خمساً لا يتّسع الّا

الراحمين خدايا حكم كن از براى من در روز پنجشنبه پنج چيز كه گنجايش ندارد

كرمك ولا تطيقها الّا نعمك سلامةً أقوى بها على

تو و طاقت آنها ندارد مگر نعمتهاى تو سلامتى كه قوت يابم بآن بر

طاعتك وعبادةً استحقّ بها جزيل مثوبتك وسعةً

طاعت تو و بندگى كه مستحق شوم بآن بزرگى ثواب تو و وسعت

في الحال من الرّزق الحلال وأن تؤمنني في مواقف الخوف

در حال از روزى حلال و اينكه ايمن سازى مرا در جايگاه ترس

بأمنك وتجعلني من طوارق الهموم والغموم في حصنك

بامن خود و بگردانى مرا از نوازل اندوهها و غمها در حصار خود

صلّ على محمّد وعلى آل محمّد واجعل توسّلي به شافعاً يوم

درود بر محمد و آل او و بگردان توسل مرا باو شفيع روز

القيامة نافعاً انّك ارحم الرّاحمين

نفع رساننده بدرستى كه تو ارحم الراحمين

ورد اوراد شهور يعنى اورادى كه در ماهها مكرّر ميشود مستحب است

كه چون ماه نو ببيند بگويد اللّهمّ اهلّه علينا بالامن

خدايا

والايمان

وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمُجَلِّلَةِ وَ
الرِّزْقِ الْوَاسِعِ وَدَفْعِ الْأَسْقَامِ چون أعمال سه ماه متبرك رجب
وشعبان ورمضان وعمل
عيد فطر را در كتاب زاد العقبى بر منوال همين رساله بيان كرده‌ايم
ذكر آن اينجا طي ميكنيم و در ماه شوال بغير از عمل عيد فطر عملي مختص
نيست ذو القعده اول چهار ماهي است كه قتال از در آن حرام است
و بيست و پنجم اين ماه دحو الأرض است يعني روزيست كه زمين را
از زير خانه كعبه مشرفه گسترده اند و روزه اين روز برابر يكن
با روزه شصت ماه و در اين روز دو ركعت نماز بايد گذارد در
هر ركعتي بعد از حمد پنج نوبت والشمس بخواند و چون فارغ شود
بگويد لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ أَقِلْنِي
عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ أَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ اسْمَعْ
صَوْتِي وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

اعمال ماه ذي القعده

يا ارحم الراحمين ودد اين روز اين دعا بايد خواند اللهم

اى ارحم الراحمين   خدايا

داحي الكعبة وفالق الحبة وصارف اللزبة وكاشف

گستراننده كعبه و شكافنده دانه و گرداننده بليه سختيه و كشاينده

كل كربة اسئلك في هذا اليوم من اياما مك التي اعظمت

هر اندوه سوال ميكنم از تو در اين روز از روزهاى تو كه بزرگ كردانيدى

حقها واقدمت سبقها وجعلتها عند المؤمنين و

حق او را و پيش داشته پيشى او را و گردانيدى او را نزد اهل ايمان

ديعة واليك ذريعة وبرحمتك الوسيعة ان

امانت و بسوى تو وسيله و برحمت وسيع تو اينكه

تصلي على محمد عبدك المنتجب في الميثاق القريب

رحمت فرستى بر محمد بنده تست و انتخاب كرده تو در روز عهد كه نزديك

يوم التلاق فاتق كل رتق وداع الى كل حق وعلى

روز ملاقات گشاينده هر بسته است خواننده بسوى هر حق

اهل بيته الاطهار الهداة المنار دعائم الجبار وولاة

اهل بيتش پاكان و راهنمايان نشانهاى [illegible] ستونهاى خداى

الجنة والنار

الجنة والنار واعطنا في يومنا هذا من عطائك المخزون

بهشت و دوزخ و ببخشا ما را در این روز ما از بخشش خود که مخزونست

غير مقطوع ولا ممنون تجمع لنا به التوبة وحسن

که گسسته نباشد و منتی در او نباشد جمع کن از برای ما بآن توبه و نیکوئی

الاوبة يا خير مدعو واكرم مرجو يا كفي يا وفي يا من

رجوع بتو ای بهترین خوانده و بهترین امید داشته ای کفایت کننده ای وفا

لطفه خفي الطف لي بلطفك واسعدني بعفوك

ای لطف او پنهان لطف کن با من بلطف خود و سعادت بخش مرا بعفو

وايدني بنصرك ولا تنسني كريم ذكرك بولاة امرك

و مدد ده مرا بیاری خود و فراموش مکن ذکر کریم خود ببرکت والیان امر

وحفظة سرك احفظني من شوائب الدهر الى يوم

[illegible]

الحشر والنشر واشهدني اوليائك عند خروج نفسي

جمع شدن و پراکنده شدن و حاضر ساز از برای من دوستان خود نزد بیرون رفتن نفس

وحلول رمسي وانقطاع عملي وانقضاء اجلي اللهم

و داخل شدن گور و گسسته شدن عمل و باخر رسیدن [illegible]

وَاذْكُرْنِي عَلَى طُولِ الْبِلَى إِذَا حَلَلْتُ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى

و یاد کن مرا بر درازی ایام [illegible] هرگاه [illegible] شوم میان [illegible]

وَنَسِيَنِي النَّاسُونَ مِنَ الْوَرَى وَأَحْلِلْنِي دَارَ الْمُقَامَةِ

و فراموش کنند از مرا فراموش کنندگان از خلق و [illegible] خانه آرام

وَبَوِّئْنِي مَنْزِلَ الْكَرَامَةِ وَاجْعَلْنِي مِنْ مُرَافِقِي أَوْلِيَائِكَ

و [illegible] منزل کرامت [illegible] مرا [illegible] دوستان [illegible]

وَأَهْلِ اجْتِبَائِكَ وَاصْطِفَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي لِقَائِكَ

و [illegible] خود [illegible] خود [illegible]

وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجَلِ بَرِيئًا مِنَ الزَّلَلِ

و روزی کن [illegible] عمل [illegible] اجل [illegible]

وَسُوءِ الْخَطَلِ اللَّهُمَّ وَأَوْرِدْنِي حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

[illegible] محمد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْقِنِي مِنْهُ مَشْرَبًا رَوِيًّا

[illegible] سیراب کننده

سَائِغًا هَنِيئًا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ وَلَا أُحَلَّأُ وِرْدَهُ وَلَا عَنْهُ

[illegible]

اذادوا

اَذادُوا وَاجْعَلْهُ لِی خَیْرَ ذادٍ وَاَوْفی مِیعادٍ یَوْمَ یَقُوْمُ

وبکردان او را برای من بهترین توشه وتمامترین وعده گاه در روزی که می ایستند

الاَشْهادُ اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْ جَبابِرَةَ الاَوَّلِیْنَ وَالاٰخِرِیْنَ

گواهان خدایا ولعنت کن جباران را از پیشینیان وپسینیان

وَبِحُقُوْقِ اَوْلِیائِکَ الْمُسْتَأْثِرِیْنَ اَللّٰهُمَّ وَاقْصِمْ دَعائِمَهُمْ

وانها که حقهای دوستان تو را ببردند خدایا وبشکن ستونهای ایشان را

وَاَهْلِکْ اَشْیاعَهُمْ وَعامِلَهُمْ وَعَجِّلْ مَهالِکَهُمْ

وهلاک کن پیروان ایشان را وعامل ایشان را وتعجیل کن هلاک ایشان را

وَاسْلُبْهُمْ مَمالِکَهُمْ وَضَیِّقْ عَلَیْهِمْ مَسالِکَهُمْ وَالْعَنْ

وبازستان از ایشان ملکهای ایشان وتنگ کن بر ایشان راههای ایشان ولعنت کن

مُساهِمَهُمْ وَمُشارِکَهُمْ اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ اَوْلِیائِکَ

هم نصیبان وشریکان ایشان را خدایا زود کن شادی دوستان

وَارْدُدْ عَلَیْهِمْ مَظالِمَهُمْ وَاَظْهِرْ بِالْحَقِّ قائِمَهُمْ

وبازگردان بایشان مظلمه های ایشان را وظاهر کن بحق قائم ایشان را

وَاجْعَلْهُ لِدِیْنِکَ مُنْتَصِراً وَبِاَمْرِکَ فِی اَعْدائِکَ

وبکردان او را برای دین تو یاری کننده وبفرمان تو در دشمنان

مؤمنٌ اَللّهُمَّ لحففه بِمَلٰئِكَةِ النَّصْرِ وَبِمَا اَلْقَيْتَ اِلَيْهِ

مومنان بنده خدایا بگرد او را بفرشتگان نصرت و بآنچه فرستادی بسوی او

مِنَ الْاَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْتَقِمًا لَكَ حَتّٰى تَرْضٰى وَيَعُودُ

از عالم امر در شب قدر در حالتی که انتقام کشنده باشد برای تو تا خوشنود شوی و باز گردد

دِيْنُكَ بِهِ وَعَلٰى يَدَيْهِ جَدِيْدًا غَضًّا وَيُمَحِّضُ الْحَقَّ

دین تو باو و بدستهای او تازه تازه و خالص گرداند حق را

مَحْضًا وَيَرْفُضُ الْبَاطِلَ رَفْضًا اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلٰى

خالص کردنی و بیندازد باطل را انداختنی خدایا درود فرست باو و بر

جَمِيْعِ اٰبَائِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَاُسْرَتِهِ وَابْعَثْنَا

… و بگردان ما را از همصحبتان او و …

فِي كَرَّتِهِ حَتّٰى نَكُوْنَ فِي زَمَانِهِ مِنْ اَعْوَانِهِ اَللّهُمَّ

… در زمان او … خدایا

اَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ وَاَشْهِدْنَا اَيَّامَهُ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَارْدُدْ

… قیام او … درود فرست بر او

اِلَيْنَا سَلَامَهُ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

… و سلام … و رحمت …

ذو الحجة الحرام دوم ماه ذوی الاحترامیست که قتال در آن
حرامست مستحب است که نه روز اول این ماه را روزه دارند و اگر
میسر نشود روز اول را روزه بدارند که برابری میکند با روزهٔ
هشتاد ماه و این روز مولد ابراهیم ع است و در این روز تزویج
حضرت فاطمه ع با امیر المؤمنین ع واقع شده و روز ششم این ماه
نیز گفته اند و در این روز نماز فاطمه ع باید گذارد و آن چهار رکعت
است در هر رکعتی بعد الحمد پنجاه قل هو الله احد و چون فارغ
شود تسبیح فاطمه ع بگوید پس این تسبیح را بگوید سُبْحانَ
ذِی العِزِّ الشّامِخِ المُنِیفِ سُبْحانَ ذِی الجَلالِ الباذِخِ
صاحب عزت بلند شریف منزه است صاحب جلال بارفعت
العَظِیمِ سُبْحانَ ذِی المُلْكِ الفاخِرِ القَدِیمِ سُبْحانَ مَنْ
بزرگ منزه است صاحب پادشاهی ... قدیم منزه است کسی
یَرَی اَثَرَ النَّمْلَةِ فِی الصَّفا سُبْحانَ مَنْ یَرَی وَقْعَ الطَّیْرِ
که می بیند اثر مورچه را در سنگ صاف منزه است کسی که می بیند فرود آمدن مرغ را
فِی الهَواءِ سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰکَذا وَلا هٰکَذا غَیْرُهُ و در هر
در هوا منزه است ... که چنین است و چنین نیست غیر او

روز از ده روز اول ماه ده نوبت این ده تهلیل را باید گفت

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّیَالِی وَالدُّهُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اَمْوَاجِ

نیست معبودی جز خدا بعدد شبها و روزها نیست معبودی جز خدا بعدد موجهای

الْبُحُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا

اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْکِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ

لَمْحِ الْعُیُونِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِی اللَّیْلِ اِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ

اِذَا تَنَفَّسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّیَاحِ فِی الْبَرَارِی وَالصُّخُورِ

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْیَوْمِ اِلٰی یَوْمِ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ

امیر المؤمنین منقولست که هر که در هر روز از این ده روز ده

نوبت

نوبت این تهلیل را بخواند بدهد حق تعالی او را بهر تهلیل درجه
در بهشت از در و یاقوت که میان هر درجه مسافت صد
ساله سوار شتابنده باشد و در هر درجه شهری و در آن شهر قصری
از یک گوهر که فصلی در آن نباشد و در هر شهری از خانها و حصارها
و غرفها و پردها و فرشها و تختها و حور عین و ازبالشها
و بساطها و مایدها و خدمتکاران و نهرها و درختها و زیورها
و حلها باشد آنچه وصف نتوان کرد از او هیچ وصف کننده و چون
از قبر بیرون آید تابنده باشد از هر موی از و نوری و بهشتی جو بیند
هفتاد هزار فرشته تا با او همراهی کنند از پیش رو و جانب راست
و جانب چپ تا بدر بهشت رسد پس چون داخل بهشت
شود بایستد در پیرامون او و در پیش ایشان باشد تا برسد بشهری
که ظاهرش یاقوت سرخ باشد و باطنش زبرجد سبز در و باشد
از جمیع اصناف آنچه آفریده است حق تعالی در بهشت و چون
بان شهر رسند باو گویند ای ولی خدا یا میدانی چیست این شهر
با آنچه در و است گوید نه و گوید شما کیستید گویند ما فرشتگانیم که
حاضر بودیم در دنیا با تو آن روز که تهلیل حق تعالی میکردی بان تهلیل

این شهر با انچه در وست ثواب تست و بشارت باد ترا به بیش
از این و آن ثوابیست که حق تعالی مهیا کرده است از برای تو
در دار القیام در جوار حق بخششی که منقطع نشود هرگز،
آن کیست کو نللتت ده روزه بکذرد، در باغ خلد عیش دوام
که میخرد عمل عرفه و آن روز نهم اینما هست دوزیست بس
شریف مستحب است که غسل کند و زیارت حضرت امام حسین ع
بجای آورد و اگر چه از دور باشد و روزه این روز نیز ثواب بسیار
دارد بدو شرطیکی انکه شک در هلال ماه نبوده باشد دوم انکه
ضعف روزه مانع دعا نشود و چون دعای این روز طولی داشت
درین رساله کنا اختصار مطلوب بود ذکر آن اطی کردیم عمل عید
اضحی و آن دهم اینما هست و فضیلت این عید و شبش
مثل فضیلت عید فطر است و شبش و اعمالش مثل اعمال آن
الا انکه تکبیر در ان عید بعد از چهار نماز فریضه گفته میشود
و در این عید بعد از ده نماز فریضه گفته میشود اولش نماز
عید است و تکبیر اینست اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

[illegible] بنست عدا [illegible]

واللّٰه

وَاللهُ اَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللهُ اَكْبَرُ عَلٰى مَا هَدٰنَا اَللهُ اَكْبَرُ

خدا بزرگتر است و خدای راست حمد خدا بزرگتر است بر آنچه راه نموده است ما را خدا بزرگتر است

عَلٰى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيْمَةِ الْاَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مَا اَوْلٰنَا

بر آنچه روزی داد ما را از چهارپایان و ستایش مر خدای را بر آنچه نعمت داده ما را

و درین عید قربانی کردن مستحب است یا شتری یا گاوی یا گوسفند

و بهترش آنست که فربه باشد و نقص در خلقت نداشته باشد

و جایز است که کسی را با خود شریک کند و در وقت کشتن بگوید

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِيْ فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ حَنِيْفًا

روی آورده ام روی خود را برای آنکه آفرید آسمانها و زمین را

مُسْلِمًا وَّمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ اِنَّ صَلٰوتِيْ وَنُسُكِيْ وَمَحْيَايَ

فرمان بردارم و نیستم از مشرکان به درستی که نماز من و قربانی من و زندگی من

وَمَمَاتِيْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ

و مردن من مر خدای راست که پروردگار عالمیان است شریک نیست او را و با این مامور شده ام

وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللهِ وَاللهُ

و من از جمله مسلمانانم خدایا از تو و برای تو بنام خدا و خدا

اَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّيْ و سنت است که خود از آن بخورد و

بزرگتر است خدایا قبول کن از من

بعضی از انرا هدیه برادران مومن کنند و بعضی را بفقرا تصدق
کنند عمل روز عید غدیر وان روز هیجدهم ذیحجه است روز بیست که
حضرت پیغمبر امیر المومنین را بخلافت خود نصب کرد در غدیر
خم و قصه آن روز مشهور است انحضرت امام رضا فرموده است
که روز غدیر در آسمان مشهورتر است که در زمین پس فرمود
هر جا که باشی خود را بنزد قبر امیر المومنین رسان بدرستی که حق تعالی
می آمرزد در این روز هر مومن و مومنه را و هر مسلم و مسلمه را
گناه شصت ساله و آزاد میکند از آتش ضعف انچه آزاد کرده است
در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر و یکدرهم که در این روز
ببرادران شیعه خود دهی ثواب هزار درهم داری پس بخشش
کن بر برادران در این روز و شادمان کردان در این روز هر
مومن و مومنه را پس فرمود اگر بشناسند مردمان حق این روز را
چنانکه هست هر اینه ملئکه با ایشان مصافحه خواهند کرد
در هر روزی ده نوبت بیا بیا که نوید از جناب دوست
رسید که عید تو منم و عود مینماید عید بجال دیو مدد دولت
ملک آمد مباش غافل وقت تدوم دوست رسید زود که

وی

ولی حق بجوی دم رحمان که اینک از یمن قدس بنفخه نفحه رسید

و مستحب است در این روز غسل و زیارت امیر المؤمنین ع اگر از نزدیک میسر نشود از دور متوجه طرف نجف اشرف شود و بگوید السلام

عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ السَّلَامُ

بر تو ای امین خدا در زمین و حجت خدا بر بندگان او سلام

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ

بر تو ای امیر المؤمنین گواهی میدهم اینکه جهاد کردی در راه خدا

حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ عَلَيْهِ

حق جهاد کردن و عمل کردی بکتاب او و پیروی کردی سنتهای پیغمبر او بر او

السَّلَامُ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ

سلام تا اینکه ترا خواند خدا بسوی جوار خود پس برد ترا بسوی خود باختیار

وَأَلْزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ

و الزام کرد دشمنان ترا حجت را با آنچه مر تراست از حجتهای رسا

عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ

بر همه خلق او خدایا پس بگردان نفس مرا آرمیده بقدر تو

رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ

خوشنود بقضای تو حریص بیاد کردن تو و دعا نمودن تو

مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِيائِكَ مَحْبُوبَةً فِي اَرْضِكَ وَسَمائِكَ

دوست برگزیدگان دوستانت دوست داشته شده در زمین و آسمانت

صابِرَةً عَلى نُزُولِ بَلائِكَ مُشْتاقَةً اِلى فَرْحَةِ لِقائِكَ

صبر کننده بر نزول بلاهای تو مشتاق بشادی به دیدن تو

مُتَزَوِّدَةً التَّقْوى لِيَوْمِ جَزائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ

توشه برگیرنده پرهیزکاری از برای روز پاداش تو راه رونده بروشهای

اَوْلِيائِكَ مُفارِقَةً لِاَخْلاقِ اَعْدائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ

دوستان تو جدا شونده از خوهای دشمنان تو مشغول از

الدُّنْيا بِحَمْدِكَ وَثَنائِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ عمل روز تصدق

دنیا به ستایش تو و ثنای تو ای مهربانترین مهربانان بخاتم

و آن روز بیست و چهارم اینما هست روزیست که حضرت
امیرالمؤمنین ع بخاتم تصدق فرمود در اثنای رکوع و آیه انما
ولیکم الله در شان او نازل شد و همین روز روز مباهله
است یعنی روزیست که آیه مباهله نازل شد و حضرت پیغمبر ص
مقرر فرمودند با نصاری بنی نجران که صباح روز دیگر مباهله
کنند و چون صباح روز دیگر شد و ایشان آنحضرت را با اهل

بیت

اعمال ماه محرم

بیت دیدند از نزول بلا ترسیدند پس پشیمان شده استغفار
کردند و مستحب است که غسل کنند و دو رکعت نماز بگذارند یا بیشتر
و هفتاد نوبت استغفار کنند و دعائی چند در این روز وارد شده
لیکن چون طولی داشت و غرض ما در این رساله اختصار بود
از آن طی کردیم محرم الحرام سیم ماههای ذوی الاحترام است
که در جاهلیت و اسلام اورا تعظیم میکرده اند و قتال در آن
جایز نمیداشته اند در اول آن دعای زکریا مستجاب شد در طلب
فرزند در سیم آن یوسف خلاص شد از چاه و در نهم آن موسی
گذشت از دریا و در هفتم آن تکلم نمود با حقتعالی در کوه
طور و در دهم آن یونس بیرون آمد از شکم ماهی و در دهم آن

عاشوره عمل روز

امام حسین ع شهید شد و بعاشورا معروفست
مستحب است که این روز را با نوحه و غم و گریه بگذرانند و ترک
لذتها کنند و از طعام و شراب امساک نمایند و تا بعد از عصر
بعد از آن افطار باب یا تربت مبارک آنحضرت کنند این روز را
بیاد بیاورید بار اشک سرهای کیست بین کز دار آن فتاده است
اندر بیابان دو و نرگس آن برین خون زین آتشی که در دل

در جان نتاده است دل چون بعضه خون نشود کاین مصیبت است
کز دودمان کفر بایمان نتاده است خون شد دل ملایک و
افلاک را ز چشم خونیست این شفق که بدامان نتاده است

وزیارت آنحضرت در این روز ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد
که با حضرت پیغمبر کرده باشد کرا نزدیک میسر نشود بصحرا رود
یا بام بلندی بر آید پیش از زوال و تکبیر بگوید پس روی بطرف
کربلا آورده با آنحضرت سلام کند باشاره و بگوید اَلسَّلٰمُ عَلَیْكَ
یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلٰمُ عَلَیْكَ یَابْنَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَابْنَ سَیِّدِ
الْوَصِیِّینَ اَلسَّلٰمُ عَلَیْكَ یَابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاۤءِ وَسَیِّدَةِ النِّسَاۤءِ
الْعَالَمِینَ اَلسَّلٰمُ عَلَیْكَ یَا ثَارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ
اَلسَّلٰمُ عَلَیْكَ وَعَلَی الْاَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَاۤئِكَ اَلسَّلٰمُ
عَلَیْكُمْ مِنِّی جَمِیعًا سَلَامُ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ
وَالنَّهَارُ

وَالنَّهارُ يا اَبا عَبْدِاللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصيبَةُ

[illegible]

بِكَ عَلَيْنا وَعَلى جَميعِ اَهْلِ الْاِسْلامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصيبَتُكَ

[illegible]

فِي السَّماواتِ عَلى جَميعِ اَهْلِ السَّماواتِ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً

[illegible]

اَسَّسَتْ اَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ

[illegible]

اللهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقامِكُمْ وَاَزالَتْكُمْ عَنْ مَراتِبِكُمُ

[illegible]

الَّتي رَتَّبَكُمُ اللهُ فيها وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ

[illegible]

اللهُ الْمُمَهِّدينَ لَهُمْ بِالتَّمْكينِ مِنْ قِتالِكُمْ بَرِئْتُ اِلَى

[illegible]

اللهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْياعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ وَاَوْلِيائِهِمْ

[illegible]

يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ

ای ابا عبدالله بدرستی که من آشتی ام کسی را که آشتی کند با شما و جنگم با کسی که جنگ کند با شما

إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ وَلَعَنَ اللهُ

تا روز قیامت   و لعنت خدا بر آل زیاد   و آل مروان   و لعنت خدا

بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَلَعَنَ اللهُ

بنی امیه را همه   و لعنت خدا بر پسر مرجانه   و لعنت خدا

عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً

بر عمر بن سعد   و لعنت خدا بر شمر   و لعنت خدا بر امتی

أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ

که اسب زین کردند و لجام کردند و نقاب زدند و آماده شدند برای کشتن تو

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ فَأَسْأَلُ اللهَ

پدرم و مادرم فدای تو بزرگ شد مصیبت من به تو پس سؤال می کنم از خدا

الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي

که گرامی داشت مقام تو را و گرامی داشت مرا به تو که روزی کند

طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ

طلب خون تو با امامی که نصرت یافته از اهل بیت محمد

صلى الله

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهاً بِا

لْحُسَيْنِ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اِنِّي اَتَقَرَّبُ

اِلَى اللهِ وَاِلَى رَسُولِهِ وَاِلَى اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَاِلَى فَاطِمَةَ

وَاِلَى الْحَسَنِ وَاِلَيْكَ بِمُوَالاتِكَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ قَا

تَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ اَسَّسَ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ

اَسَاسَ ذٰلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرَى ظُلْمُهُ وَجَوْرُهُ فِي

عَلَيْكُمْ وَعَلَى اَشْيَاعِكُمْ بَرِئْتُ اِلَى اللهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ

وَاَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ وَاِلَى رَسُولِهِ ثُمَّ اِلَيْكُمْ بِمُوَالاتِكُمْ

وَمُوالاةِ وَلِيِّكُمْ وَبِالْبَراءَةِ مِنْ اَعْدائِكُمْ وَالنّاصِبِينَ لَكُمُ

و به دوستی دوستان شما و به بیزاری از دشمنان شما و کسانی که برپا داشتند برای شما

الْحَرْبَ وَبِالْبَراءَةِ مِنْ اَشْياعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ اِنِّي

جنگ را و به بیزاری از پیروان ایشان و از اتباع ایشان بدرستی که من

سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ والاكُمْ

آشتیم با کسی که آشتی کند با شما و جنگم با کسی که با شما جنگ کند و دوستم کسی را که دوست گیرد شما را

وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذِي اَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ

و دشمنم کسی را که دشمنی کند با شما پس سؤال میکنم از خدایی که اکرام کرده است مرا بشناختن شما

وَمَعْرِفَةِ اَوْلِيائِكُمْ وَرَزَقَنِي الْبَراءَةَ مِنْ اَعْدائِكُمْ اَنْ

و شناختن دوستان شما و روزی من کرده است بیزاری از دشمنان شما را که

يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَاَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ

بگرداند مرا با شما در دنیا و آخرت و اینکه ثابت بدارد از برای من نزد شما

قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَاَسْئَلُهُ اَنْ يُبَلِّغَنِي

قدم راستی در دنیا و آخرت و سؤال میکنم او را اینکه برساند مرا

الْمَقامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللهِ وَاَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ

بمقام پسندیده که مر شما راست نزد خدا و اینکه روزی کند مرا طلب

ثارِكُمْ

ثارِكُم مَعَ اِمامٍ هُدًى ظاهِرٍ ناطِقٍ بِالحَقِّ مِنكُم وَاَسئَلُ اللهَ
بِحَقِّكُم وَبِالشَّأنِ الَّذي لَكُم عِندَهُ اَن تُعطِيَني بِمُصابي بِكُم
اَفضَلَ ما يُعطي مُصاباً بِمُصيبَتِهِ مُصيبَةً ما اَعظَمَها
وَاَعظَمَ رَزِيَّتَها فِي الاِسلامِ وَفي جَميعِ السَّمٰواتِ وَ[اَهلِ]الاَرضِ
اَللّٰهُمَّ اجعَلني في مَقامي هٰذا مِمَّن تَنالُهُ مِنكَ صَلَواتٌ
وَرَحمَةٌ وَمَغفِرَةٌ اَللّٰهُمَّ اجعَل مَحيايَ مَحيا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَمَماتي مَماتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا يَومٌ
تَبَرَّكَت بِهِ بَنو اُمَيَّةَ وَابنُ آكِلَةِ الاَكبادِ اللَّعينُ ابنُ

اللَّعِينُ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ

وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ الْعَنْ

أَبَا سُفْيَانَ وَمُعٰوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعٰوِيَةَ عَلَيْهِمْ

مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْآبِدِينَ وَهٰذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ

وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلٰمُ اللّٰهُمَّ فَضَاعِفْ

عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ الْأَلِيمَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ

إِلَيْكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هٰذَا وَأَيَّامِ حَيٰوتِي بِالْبَرَاءَةِ

مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُوَالاةِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ

عليه

عليهم السلام پس صد نوبت بگوید اللهم العن اول ظالم ظلم حق

بر ایشان باد سلام خدایا لعنت کن اول ظالمی که ظلم کرد حق

محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة

محمد وآل محمد را وآخر کسی که پیروی کرد او را بر این خدایا لعنت کن گروهی را

التي جاهدت الحسين وشايعت وبايعت وتابعت على

که جهاد کردند با امام حسین و پیروی کردند و بیعت کردند و متابعت کردند بر

قتله اللهم العنهم جميعا وصد بار بگوید السلام عليك يا ابا

کشتن او خدایا لعنت کن همه ایشان را ... ای پدر

عبد الله وعلى الارواح التي حلت بفنائك وأناخت برحلك

عبد الله و بر جانها که داخل شدند در آستانه تو و فرود آمدند در

بجرمك عليك مني سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل

حرم تو بر تو باد از من سلام خدا همیشه مادام که باقی ام و باقیست شب

والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم السلام

و روز و نگرداند این را خدا آخر زیارت من از زیارت شما سلام

على الحسين وعلى علي بن الحسين وعلى اولاد الحسين

بر حسین و بر علی بن حسین و بر اولاد حسین

وَعَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ پس بگويد اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ

و بر ياران حسين ... خدايا مخصوص گردان تو اول

ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَابْدَاْ بِهِ اَوَّلًا ثُمَّ الْعَنِ الثَّانِيَ وَالثَّالِثَ

ظالم را بلعن از من و ابتدا كن باو اولا پس لعنت كن دوم و سيم

وَالرَّابِعَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنَ

و چهارم را خدايا لعنت كن يزيد را پنجم و لعنت كن عبيد الله

زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا وَآلَ

زياد را و پسر مرجانه و عمر پسر سعد و شمر و آل

اَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

ابي سفيان و آل زياد و آل مروان تا روز قيامت

پس سجده كند و بگويد اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ

خدايا مر تراست ستايش ستايش شاكران مر ترا

عَلَى مُصَابِهِمْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي

بر مصيبت ايشان ستايش مر خدا را بر عظيم مصيبت من خدايا روزي كن

شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ

شفاعت حسين روز ورود و ثابت كن براي من قدم صدق

عِنْدَكَ

عِنۡدَكَ مَعَ الحُسَيۡنِ الَّذِيۡنَ بَذَلُوا مُهَجَهُمۡ دُوۡنَ الحُسَيۡنِ وَاَصۡحَابِ الحُسَيۡنِ

عَلَيۡهِ السَّلَامُ ماه صفر دو ایماه هر روز ده نوبت این دعا

باید خواندنا از بلاهائی که درینماه نازل میشود

اسیبی باو نرسد یَا شَدِيۡدَ القُوٰى يَا شَدِيۡدَ المِحَالِ يَا

عَزِيۡزُ يَا عَزِيۡزُ يَا عَزِيۡزُ ذَلَّتۡ بِعِزَّتِكَ جَمِيۡعُ خَلۡقِكَ

فَاكۡفِنِيۡ شَرَّ خَلۡقِكَ يَا مُنۡعِمُ يَا مُحۡسِنُ يَا مُفۡضِلُ يَا لَا

اِلٰهَ اِلَّا اَنۡتَ سُبۡحَانَكَ اِنِّيۡ كُنۡتُ مِنَ الظَّالِمِيۡنَ فَاسۡتَجَبۡنَا

لَهٗ وَنَجَّيۡنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنۡجِي المُؤۡمِنِيۡنَ

وآن روز بیستم اینماه هست روز بیست که حرم حضرت امام

حسین ع از شام بمدینهٔ مشرفه رجوع کردند صحیح است

در این روز زیارت آنحضرت از حضرت امام حسن عسکری ع
مرویست که نشانهای مؤمنان پنج است نماز پنجاه و یک رکعت
در شبانروز و زیارت اربعین و انگشتری بدست راست
کردن و پیشانی بر خاک گذاشتن یعنی در نماز و بسم الله الرحمن الرحیم
را بلند خواندن در نماز باید که چون آفتاب بلند شود متوجه
جهت کربلا شده قصد زیارت آنحضرت کند و بگوید السّلام
عَلی وَلِیِّ اللهِ وَحَبیبِهِ السّلامُ عَلی خَلیلِ اللهِ وَ
... و حبیب او سلام بر دوست خدا و
نَجیبِهِ السّلامُ عَلی صَفِیِّ اللهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ السّلامُ عَلی
برگزیده او سلام بر برگزیده خدا و پسر برگزیده خدا سلام بر
الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهیدِ السّلامُ عَلی اَسیرِ الْکُرُباتِ
امام حسین مظلوم شهید سلام بر اسیر غمها
وَقَتیلِ الْعَبَراتِ اَللّهُمَّ اِنّی اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّکَ وَابْنُ
و کشته اشکها خدایا گواهی میدهم که او دوست تو و پسر
وَلِیِّکَ وَصَفِیُّکَ وَابْنُ صَفِیِّکَ الْفائِزُ بِکَرامَتِکَ
دوست تو برگزیده تو و پسر برگزیده تو که رستگار شد بکرامت تو

اکرمته

أكْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ واجْتَبَيْتَهُ

بِطيبِ الوِلادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السّادَةِ وَقائِداً

مِنَ القادَةِ وَذائِداً مِنَ الذّادَةِ وَاَعْطَيْتَهُ مَوارِيثَ الأنبِياءِ

وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلى خَلْقِكَ مِنَ الأوْصِياءِ فَأعْذَرَ في

الدُّعاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ

مِنَ الجَهالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلالَةِ وَقَدْ تَوازَرَ عَلَيْهِ مَنْ

غَرَّتْهُ الدُّنْيا وَباعَ حَظَّهُ بِالأرْذَلِ الأدْنى وَشَرى آخِرَتَهُ

بِالثَّمَنِ الأوْكَسِ وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّى في هَواهُ وَأسْخَطَكَ و

أَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشِّقَاقِ وَالنِّفَاقِ

[illegible]

وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا

[illegible]

مُحْتَسِبًا حَتَّى سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتُبِيحَ حَرِيمُهُ

[illegible]

اَللّٰهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْنًا وَبِيلًا وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا اَلسَّلَامُ

[illegible]

عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ

[illegible]

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللّٰهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيدًا

[illegible]

وَمَضَيْتَ حَمِيدًا وَمُتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا وَ

[illegible]

أَشْهَدُ أَنَّ اللّٰهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ

[illegible]

معذب

مُعَذِّبُ مَنْ قَتَلَكَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللّٰهِ

[illegible]

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللّٰهُ

[illegible]

مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً

[illegible]

سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ

[illegible]

اَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي

[illegible]

يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْاَصْلَابِ

[illegible]

الشَّامِخَةِ وَالْاَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ

[illegible]

بِاَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمَّاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَاَشْهَدُ

[illegible]

أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْ

بانکه تو از ستونهای دینی و رکنهای مسلمانی و تکیه‌گاه گروندگان

مِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ

گروندگانی و گواهی میدهم بانکه توئی امام نیکو پرهیزکار پسندیده پاکیزه

الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ

راه نماینده راه یافته و گواهی میدهم بانکه امامان از فرزندان تو کلمه

التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى

پرهیزکاری‌اند و نشانهای راه یافتن و دستهای محکم و حجتند بر

أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ

اهل دنیا و گواهی میدهم بانکه من ایمان دارم بشما و به بازگشت شما یقین دارم بشریعتهای

دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ

دین خود و خاتمهای کارهای خود و دل من مر دلهای شما را فرمانبردار و کار من مر کار شما را پیرو است

مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللّٰهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ

و یاری من برای شما آماده است تا آنکه رخصت دهد خدا مر شما را

مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ

با شما نه با دشمنان شما درود خدا بر شما و بر روحهای شما

واجسادكم

وَاَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ اٰمِيْنَ
بتنهای شما وظاهر شما وغایب شما وبدنهای شما وپنهان شما قبول بادا
رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ ربیع الاول در شب اول اینماه هجرت پیغمبر صم
از مکه معظمه بمدینه مشرفه واقع شد در سال سیزدهم از مبعث آنحضرت
ودر نهم اینماه عمر خطاب علیه اللعنة والعذاب بکشته شد بجهنم
پیوست روزیست بسیار مبارک وعیدیست پنهان در میان
اهل ایمان که کسی قدر آنرا میداند ودر فضایل آن حدیثی از پیغمبر صم
وارد شده وامر شده بتعظیم آن وشادی کردن در آن ونزدیک
جستن بخیرات واجتناب از منکرات ونفع رسانیدن بمؤمنین
ومؤمنات روزیست که طاعات در آن مقبولست وگناهان
مغفور وملئکه هفت آسمان را این روز عید است ومأمورند
باینکه استغفار کنند بجهت شیعه امیرالمؤمنین ع ودوستان
او بهشت اگرچه بجای گناه کار انست گناه سوز بود آتش
محبت او علم مولود نبی صلوات الله علیه وآله هفدهم اینماه هست وقت
طلوع صبح روز جمعه بود در عام الفیل روزیست شریف عظیم
البرکه یکی از چهار روزیست که روزه آن مستحب است در حدیث

ماه ربیع الاول

آمده هر که هفتم ربیع الاول روزه بدارد بنویسد از برای او ثواب
روزهٔ یکساله و مستحب است در این روز تصدق و زیارت
مشاهد مشرفه **ربیع الثانی** در دوازدهم این ماه سال اول از هجرت
نمازهای فریضه در حضر و سفر قرار گرفت باین طریق که امروز
هست **جمادی الاول** در نصف این ماه سال سی و شش از هجرت
امام زین العابدین ع متولد شد و در همین روز حضرت امیر المؤ
منین ع فتح بصره نمود **جمادی الثانی** در سیم این ماه سال
یازدهم از هجرت حضرت فاطمه ع وفات یافت و در این سه
ماه عملی نیست مختص که بجا باید آورد باتمام رسید خلاصه
اعمال حسنه سنه مسماه بلب الحسنات بدستیاری
توفیق قاضی الحاجات و رافع الدرجات و محو
السیئات بدست اقل خلق الله ابن
غلام حسین محمد علی کاشانی
عفی الله عنهما یوم سیزدهم شهر
رمضان المبارک
سنه ۱۲۰۱

